

به نام یزدان پاک

همه سوال های

دکترای تخصصی (Ph.D)

تاریخ ایران بعد از اسلام

۱۴۰۴

تالیف و تدوین

گروه مولفین پردازش

فهرست مطالب

آزمون دکترای تاریخ ایران بعد از اسلام ۱۴۰۴

۷.....	تاریخ ایران از آغاز ورود اسلام تا ابتدای قاجار
۱۰.....	پاسخ‌نامه تاریخ ایران از آغاز ورود اسلام تا ابتدای قاجار
۸۶.....	تاریخ ایران از قاجار تا انقلاب اسلامی
۸۸.....	پاسخ‌نامه تاریخ ایران از قاجار تا انقلاب اسلامی
۱۶۷.....	مباحث نظری و روش تحقیق و منبع‌شناسی تاریخ ایران
۱۶۸.....	پاسخ‌نامه مباحث نظری و روش تحقیق و منبع‌شناسی تاریخ ایران
۲۱۷.....	منابع

آزمون دکترای تاریخ ایران بعد از اسلام ۱۴۰۴

تاریخ ایران از آغاز ورود اسلام تا ابتدای قاجار



۱. کتاب «دانش نامه الملکی یا عضدی کناش» در کدام موضوع است و با تالیف کدام کتاب به حاشیه رفت؟
(۱) پزشکی - قانون ابن سینا
(۲) ستاره‌شناسی - صاحب‌الزیج ابن اعلم
(۳) ریاضیات - بالتحف‌الکبیر ابن کلوذانی
(۴) پزشکی - ذخیره خوارزمشاهی جرجانی
۲. ابومحمد مهلبی، وزیر کدام سلطان بویه بود و در کدام زمینه شهرت بیشتری یافت؟
(۱) عزالدوله بختیار - تنظیم امور مالی و حسابداری
(۲) معزالدوله - تشکیل مجالس ادبی و حمایت از اهل علم و فضل
(۳) رکن‌الدوله - امور رزمی و فرماندهی لشکر در دوران فتوح
(۴) عضدالدوله - ایجاد تحول در دیوان رسائل و شیوه مکاتبات
۳. در دوره آل بویه، صاحب دیوان بر کدام امور نظارت می‌کرد؟
(۱) رسائل
(۲) مالی و مالیه
(۳) دیوان اعلی
(۴) تشریفات دیوان و دربار
۴. کدام مورد درباره موقعیت مستخرج در نظام اداری دوره غزنوی درست است؟
(۱) ناظر و بازرس خزانه سلطان بود.
(۲) کارشناس تعیین خراج ولایات بود.
(۳) میزان و کیفیت معادن واگذار شده را تعیین می‌کرد.
(۴) در مصادره اموال افراد از آنها بازجویی می‌کرد و اقرار می‌گرفت.
۵. کدام مورد درباره سیاست کرامیه در قبال دشمنان مذهبی‌شان، نادرست است؟
(۱) محمد بن حسن قورک عالم شهیر اشعری را به اتهام رفض مسموم کردند.
(۲) ابوبکر کرامی در آزار صوفیان از جمله ابوالسعید ابی‌الخیر از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کرد.
(۳) ابوبکر کرامی هر کس را که تصور مخالفت با مذهب سنت داشت، به اتهام رفض و غلو نابود می‌کرد.
(۴) در دوره محمود و مسعود غزنوی با کمک قاضی صاعد و ناصحی قاضی‌القضات، مخالفان مذهبی خود را حذف می‌کردند.
۶. کدام مورد درباره سیاست قضائی سلجوقیان درست است؟
(۱) در اصفهان به دلیل رقابت دو مذهب حنفی و شافعی، دو قاضی‌القضات منصوب شده بود.
(۲) در ایالت آذربایجان به تناسب اکثریت مذهبی، قاضی‌القضات از آن مذهب انتخاب می‌شد.
(۳) در ولایات غیرکلیدی، قاضی زیر نظر قاضی‌القضات مرکز به قضاوت می‌پرداخت.
(۴) در بغداد، مذاهب اربعه اهل سنت، دارای قاضی‌القضات خاص خود بودند.
۷. کدام مورد درباره مالیات موسوم به خفارت در دوره سلجوقیان درست است؟
(۱) از اهالی محلات و شهرها وصول می‌شد.
(۲) ویژه ضیاع و املاک و محصولات زراعی و باغی بود.
(۳) ویژه تجارت و خرید و فروش در بازار و مراکز تجاری بود.
(۴) در ایام حج از کاروان‌های زائران در مسیرهای حرکت اخذ می‌شد.
۸. کدام گزینه درباره شهر آنی و علل و پیامدهای فتح آن توسط آل ارسلان، نادرست است؟
(۱) فتح آن موجب سقوط خاندان باگراتی و هموار شدن فتح گرجستان شد.
(۲) فتح شهر معروف به هزار و یک کلیسا، ثروت فراوانی نصیب سلجوقیان کرد.
(۳) کلیساهای شهر برچیده شد و در مرکز آن مسجدی برای ترویج اسلام بنا گشت.
(۴) سنگرگاه سرزمین روم در مقابل بلاد اسلامی به شمار می‌آمد و حاکم آن خراج گزار روم بود.
۹. کدام مالیات غیرشرعی و نامتعارف دوره سلجوقی، بیش‌ترین مخالفت علما و بازرگانان را به همراه داشت؟
(۱) مواصیر
(۲) ضرایب
(۳) مکوس
(۴) نعل بها
۱۰. ابواسحق شیرازی فقیه بزرگ سده پنجم هجری، به کدام دلیل تدریس در مدرسه نظامیه را رد کرد؟
(۱) میل به عزلت و گوشه‌نشینی
(۲) غصبی بودن زمین آن
(۳) وابستگی آن حکومت
(۴) اختلاف مذهبی با خواجه نظام‌الملک



شناخت موضوع و تأثیرگذاری کتاب «دانشنامه الملکی یا عضدی کناش» در تاریخ علم ایران اسلامی

شرح موضوع و منظور سؤال

سؤال به بررسی کتاب «دانشنامه الملکی یا عضدی کناش» می‌پردازد و از دو جنبه کلیدی پرس‌وجو می‌کند: موضوع اصلی این کتاب و اثری که باعث شد این کتاب به حاشیه رانده شود. این سؤال در حوزه تاریخ علم ایران اسلامی (از ورود اسلام تا ابتدای دوره قاجار) قرار دارد و بر جایگاه علوم پزشکی و تأثیرگذاری آثار برجسته در این دوره تمرکز دارد. کتاب «دانشنامه الملکی یا عضدی کناش» اثری پزشکی است که توسط ابومنصور حسن بن نوح قمری تألیف شده و موضوع آن گردآوری دانش پزشکی، بیماری‌ها، و درمان‌ها با تأکید بر آرای پزشکان پیشین، به‌ویژه محمد بن زکریای رازی، است. این سؤال همچنین به تأثیرگذاری کتاب «قانون» ابن سینا بر دیگر آثار پزشکی اشاره دارد، که به دلیل جامعیت و نظام‌مندی، بسیاری از آثار پیشین را تحت‌الشعاع قرار داد.

دلایل انتخاب گزینه صحیح (۱: پزشکی - قانون ابن سینا)

تجزیه و تحلیل گزینه صحیح

کتاب «دانشنامه الملکی یا عضدی کناش» اثری در حوزه پزشکی است که توسط ابومنصور حسن بن نوح قمری (قرن چهارم هجری) تألیف شده و با عنوان «غنی و منی» نیز شناخته می‌شود. این کتاب یک «کناش» (به عربی: کُنَاش، به معنای مجموعه یا دائرةالمعارف پزشکی) است که بیماری‌ها، علل، علائم، و روش‌های درمانی را به‌صورت نظام‌مند گردآوری کرده است. این اثر به‌ویژه به دلیل نقل آرای رازی و دیگر پزشکان برجسته، از اهمیت تاریخی برخوردار است. باین‌حال، با ظهور کتاب «قانون» ابن سینا (شیخ‌الرئیس حسین بن عبدالله بن سینا، ۴۲۸-۳۷۰ ه‍.ق)، که به‌عنوان یکی از جامع‌ترین و نظام‌مندترین آثار پزشکی در تاریخ علم شناخته می‌شود، بسیاری از کناش‌های پیشین، از جمله «دانشنامه الملکی»، به حاشیه رفتند.

تفسیر و نقد گزینه صحیح

«قانون» ابن سینا اثری است که پزشکی را از یک دانش پراکنده به یک نظام علمی منسجم تبدیل کرد. این کتاب در پنج جلد (به عربی: القانون فی الطب) تنظیم شده و شامل مباحثی چون کلیات پزشکی، داروهای مفرد، بیماری‌های خاص، بیماری‌های عمومی، و داروسازی است. قانون به دلیل ساختار منطقی، استفاده از روش‌های فلسفی ارسطویی، و جامعیت در پوشش موضوعات پزشکی، نه‌تنها در ایران بلکه در اروپا (تا قرن هفدهم میلادی) به‌عنوان مرجع اصلی پزشکی تدریس می‌شد. این اثر به دلیل تأثیر عمیقش، بسیاری از آثار پزشکی پیشین، از جمله «دانشنامه الملکی»، را کم‌رنگ کرد، زیرا پزشکان دانشجویان به قانون به‌عنوان منبعی کامل‌تر و دقیق‌تر روی آوردند.

شخصیت‌ها و نظرات و آثارشان

- **ابومنصور حسن بن نوح قمری:** پزشک برجسته ایرانی در قرن چهارم هجری، از شاگردان محمد بن زکریای رازی بود. او در شهر قم به دنیا آمد و در دربار سامانیان و خوارزمشاهیان فعالیت داشت. مهم‌ترین اثر او «غنی و منی» (دانشنامه الملکی یا عضدی کناش) است که به‌عنوان یک کناش پزشکی، دانش پزشکی زمان خود را با تأکید بر آرای رازی و دیگر پزشکان یونانی و ایرانی گردآوری کرد. این کتاب به زبان عربی نوشته شده و در آن به بیماری‌ها، درمان‌ها، و داروسازی پرداخته شده است.
- **ابن سینا:** فیلسوف و پزشک برجسته ایرانی (۴۲۸-۳۷۰ ه‍.ق)، نویسنده «قانون» و «شفا». قانون او به‌عنوان نقطه عطفی در تاریخ پزشکی شناخته می‌شود. ابن سینا در بخارا متولد شد و در دربارهای مختلف، از جمله آل بویه و سلجوقیان، خدمت کرد. او پزشکی را با فلسفه تلفیق کرد و رویکردی نظام‌مند به تشخیص و درمان بیماری‌ها ارائه داد.
- **محمد بن زکریای رازی:** پزشک، شیمی‌دان، و فیلسوف ایرانی (۳۱۳-۲۵۱ ه‍.ق)، معروف به «جالیانوس ایران». او نویسنده آثاری چون «الحاوی» و «المنصوری فی الطب» است. آرای رازی در «دانشنامه الملکی» نقش کلیدی دارد، اما قانون ابن سینا به دلیل ساختار منظم‌تر، جایگزین بسیاری از آثار رازی شد.
- **دانشنامه الملکی یا عضدی کناش:** این کتاب به دستور عضدالدوله دیلمی یا یکی از امرای خوارزمشاهی تألیف شد. «کناش» در فرهنگ پزشکی اسلامی به معنای مجموعه‌ای از دانش پزشکی است که به‌صورت فشرده و کاربردی ارائه می‌شود. این اثر در زمان خود مرجعی مهم بود، اما به دلیل فقدان ساختار فلسفی و جامعیت قانون، پس از قرن پنجم هجری کمتر مورد توجه قرار گرفت.
- **تأثیر قانون ابن سینا:** قانون نه‌تنها در ایران بلکه در جهان اسلام و اروپا (تحت عنوان Canon Medicinæ) مرجع اصلی پزشکی بود. این کتاب به دلیل ترجمه به لاتین توسط جرارد کرمونایی در قرن دوازدهم میلادی، در دانشگاه‌های اروپایی تدریس شد و تا قرن هفدهم میلادی مرجع اصلی پزشکی باقی ماند.

دلایل تخصصی انتخاب گزینه صحیح

از منظر تاریخی، دوره‌ای که «دانشنامه الملکی» تألیف شد (قرن چهارم هجری)، دوره شکوفایی علوم پزشکی در ایران اسلامی بود. باین‌حال، در قرن پنجم هجری، با ظهور ابن سینا و تألیف قانون، استانداردهای پزشکی به سطح جدیدی ارتقا یافت. قانون به دلیل استفاده از روش‌های منطقی، دسته‌بندی دقیق بیماری‌ها، و ارائه درمان‌های مبتنی بر اصول فلسفی، جایگزین بسیاری از کناش‌های پیشین شد. منابع تاریخی، از جمله «نامه دانشوران»، تأیید می‌کنند که «غنی و منی» قمری به دلیل ظهور قانون ابن سینا و دیگر آثار جامع مانند «ذخیره خوارزمشاهی» کمتر مورد استفاده قرار گرفت.



دلایل عدم انتخاب سایر گزینه‌ها

گزینه ۲: ستاره‌شناسی – صاحب‌الزیج ابن اعلم

- **تحلیل و نقد:** کتاب «دانش‌نامه الملکی» اثری پزشکی است و هیچ ارتباطی با ستاره‌شناسی ندارد. «زیج» به جداول نجومی اطلاق می‌شود که برای محاسبات اخترشناسی و تقویمی به کار می‌رفت. ابن اعلم (عبدالرحمن بن محمد، متوفی ۳۹۴ ه‍.ق) ستاره‌شناس برجسته‌ای بود که زیج او (معروف به زیج الصابی) در محاسبات نجومی استفاده می‌شد. این اثر در حوزه‌ای کاملاً متفاوت از پزشکی قرار دارد و نمی‌تواند با «دانش‌نامه الملکی» مرتبط باشد.
- **شخصیت و اثر:** ابن اعلم در دربار آل بویه فعالیت داشت و زیج او یکی از دقیق‌ترین جداول نجومی دوره اسلامی بود. باین‌حال، این اثر هیچ تأثیری بر پزشکی یا کنش‌های پزشکی نداشت.
- **دلیل عدم انتخاب:** تفاوت موضوعی (ستاره‌شناسی در برابر پزشکی) و عدم ارتباط تاریخی بین این دو اثر، این گزینه را کاملاً نادرست می‌کند.

گزینه ۳: ریاضیات – بالتحف‌الکبیر ابن کلوذانی

- **تحلیل و نقد:** «دانش‌نامه الملکی» به پزشکی اختصاص دارد و ریاضیات موضوع آن نیست. درباره «بالتحف‌الکبیر» و ابن کلوذانی اطلاعات محدودی در منابع تاریخی وجود دارد، اما به نظر می‌رسد این اثر به علوم ریاضی یا هندسه مرتبط باشد. هیچ مدرک تاریخی نشان نمی‌دهد که اثری در ریاضیات بتواند یک کنش پزشکی را به حاشیه ببرد.
- **شخصیت و اثر:** ابن کلوذانی (هویت دقیق او در منابع مشخص نیست) احتمالاً ریاضیدان یا هندسه‌دانی از دوره اسلامی است، اما هیچ ارتباطی با پزشکی یا «دانش‌نامه الملکی» ندارد.
- **دلیل عدم انتخاب:** عدم ارتباط موضوعی (ریاضیات در برابر پزشکی) و فقدان شواهد تاریخی مبنی بر تأثیرگذاری چنین اثری بر کنش‌های پزشکی، این گزینه را نادرست می‌کند.

گزینه ۴: پزشکی – ذخیره خوارزمشاهی جرجانی

- **تحلیل و نقد:** این گزینه به دلیل موضوع پزشکی به «دانش‌نامه الملکی» نزدیک است، اما نادرست است. «ذخیره خوارزمشاهی» اثر اسماعیل جرجانی (قرن پنجم و ششم هجری) یکی از مهم‌ترین آثار پزشکی به زبان فارسی است که پس از قانون ابن سینا تألیف شد. این کتاب هرچند جامع و تأثیرگذار بود، اما به دلیل تألیف در دوره‌ای پس از قانون، نمی‌توانست عامل اصلی به حاشیه رفتن «دانش‌نامه الملکی» باشد. قانون ابن سینا، که پیش از ذخیره و در زمان نزدیک‌تری به «دانش‌نامه الملکی» نوشته شد، تأثیر گسترده‌تری داشت.
- **شخصیت و اثر:** اسماعیل جرجانی (۵۳۶-۴۳۴ ه‍.ق) پزشک برجسته ایرانی و نویسنده «ذخیره خوارزمشاهی» بود. این کتاب به‌عنوان اولین دائرةالمعارف پزشکی به زبان فارسی، شامل مباحثی چون تشریح، بیماری‌ها، و داروسازی است. ذخیره در دربار خوارزمشاهیان تألیف شد و به دلیل نگارش به فارسی، در میان پارسی‌زبانان رواج یافت.
- **دلیل عدم انتخاب:** هرچند ذخیره اثری برجسته است، اما قانون ابن سینا به دلیل قدمت بیشتر، جامعیت، و تأثیر جهانی، عامل اصلی به حاشیه رفتن کنش‌هایی مانند «دانش‌نامه الملکی» بود. منابع تاریخی، از جمله «نامه دانشوران»، تأکید دارند که قانون مهم‌ترین مرجع پزشکی پس از رازی بود.

اصطلاحات تخصصی

۱. **کنش:** اصطلاحی عربی به معنای مجموعه یا دائرةالمعارف پزشکی. کنش‌ها معمولاً دانش پزشکی را به‌صورت فشرده و کاربردی گردآوری می‌کردند. در دوره اسلامی، کنش‌ها منابع اصلی آموزش پزشکی بودند، اما با ظهور آثار جامع مانند قانون، اهمیت آن‌ها کاهش یافت.
۲. **قانون فی الطب: (Canon of Medicine)** اثر ابن سینا که پزشکی را به یک نظام علمی تبدیل کرد. این کتاب شامل پنج بخش است: کلیات، ادویه مفرده، امراض جزئی، امراض کلی، و ادویه مرکبه. قانون به دلیل ساختار منطقی و فلسفی، استاندارد پزشکی را در جهان اسلام و اروپا ارتقا داد.
۳. **ذخیره خوارزمشاهی: (Khwarazmshahi Treasury)** اولین دائرةالمعارف پزشکی به زبان فارسی، نوشته جرجانی. این اثر به دلیل نگارش به فارسی و پوشش جامع موضوعات پزشکی، در میان پارسی‌زبانان رواج یافت، اما به اندازه قانون جهانی نشد.
۴. **الحاوی: (Continens)** اثر رازی، مجموعه‌ای از یادداشت‌های پزشکی او که پس از مرگش گردآوری شد. این اثر هرچند جامع بود، اما به دلیل فقدان ساختار منظم، با قانون ابن سینا جایگزین شد.

نکات کلیدی

- دوره شکوفایی پزشکی اسلامی (قرن ۶-۴ هجری) شاهد تألیف آثار متعددی بود که هر یک در زمان خود مرجع بودند. باین‌حال، قانون ابن سینا به دلیل نظام‌مندی و جامعیت، استاندارد جدیدی ایجاد کرد.
- تأثیر قانون در اروپا از طریق ترجمه‌های لاتین (مانند ترجمه جرارد کرمونایی) نشان‌دهنده اهمیت جهانی این اثر است.
- کنش‌هایی مانند «دانش‌نامه الملکی» به دلیل فقدان ساختار فلسفی و تمرکز بر گردآوری آرای دیگران، در برابر آثار نظام‌مندی مانند قانون و ذخیره کم‌رنگ شدند.

مطالب تکمیلی

- **زمینه تاریخی:** دوره سامانیان و آل بویه (قرن ۵-۴ هجری) دوره‌ای بود که علوم پزشکی در ایران به دلیل حمایت دربارها و ترجمه آثار یونانی، سریانی، و هندی به عربی شکوفا شد. این دوره شاهد فعالیت پزشکانی چون رازی، قمری، و ابن سینا بود.



- اهمیت زبان در پزشکی اسلامی: در حالی که کنش‌های اولیه مانند «غنی و منی» به عربی نوشته می‌شدند، تألیف آثاری مانند «ذخیره خوارزمشاهی» به فارسی نشان‌دهنده تلاش برای بومی‌سازی دانش پزشکی بود.
- نقش رازی در پزشکی: رازی به دلیل تأکید بر تجربه‌گرایی و آزمایش، بنیان‌گذار پزشکی تجربی در جهان اسلام شناخته می‌شود. باین‌حال، فقدان ساختار فلسفی در آثار او باعث شد قانون ابن سینا تأثیر گسترده‌تری داشته باشد.
- تأثیرگذاری فرهنگی: قانون ابن سینا نه تنها در پزشکی بلکه در فلسفه و آموزش نیز تأثیر گذاشت، زیرا رویکرد فلسفی آن الگویی برای دیگر علوم شد.

منابع طراحی سؤال

۱. کتاب «تاریخ علوم در اسلام»، نوشته: حسن تاجبخش

○ بخش: فصل سوم، پزشکی در دوره اسلامی

○ موضوع: بررسی آثار پزشکی از رازی تا ابن سینا و تأثیر قانون بر کنش‌های پیشین.

۲. کتاب «نامه دانشوران»، تألیف جمعی از فضلالی عهد ناصری، زیر نظر علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه

○ جلد اول، شرح حال ابومنصور قمری و آثار او

○ : شرح «غنی و منی» و تأثیر قانون ابن سینا بر آن.

کتاب «تاریخ پزشکی ایران و جهان اسلام»، نوشته: سیریل الگود، ترجمه: فرخ سیف

○ فصل چهارم، پزشکی در دوره سامانیان و آل بویه

○ نقش کنش‌ها و ظهور قانون به‌عنوان مرجع اصلی پزشکی.

۲. گزینه ۲

موضوع و منظور سؤال: این سؤال با هدف سنجش میزان آشنایی داوطلبان با شخصیت‌های برجسته دوره بویهی، به ویژه وزرای مشهور و نقش آن‌ها در حکومت و جامعه آن دوران، طرح شده است. منظور اصلی سؤال، شناخت وزیر ابومحمد مهلبی، سلطان بویهی که وی در خدمت او بود و مهم‌ترین زمینه شهرت او می‌باشد.

عنوان کلی برای مفهوم سؤال: شناخت وزرای برجسته دوره بویهی و نقش آن‌ها در حکومت و فرهنگ

شرح دلایل تخصصی و علمی گزینه صحیح انتخاب شده:

گزینه ۲، معزالدوله، گزینه صحیح است. ابومحمد مهلبی، ادیب و نویسنده مشهور قرن چهارم هجری، در دوران حکومت معزالدوله دیلمی (۳۳۴-۳۵۶ هجری قمری) به وزارت رسید و از نزدیک‌ترین مشاوران او به شمار می‌رفت. شهرت اصلی مهلبی نه در تنظیم امور مالی و حسابداری، امور رزمی یا تحول در دیوان رسائل، بلکه بیشتر به دلیل نقش برجسته‌اش در تشکیل مجالس ادبی و حمایت از اهل علم و فضل بود.

در دوران وزارت مهلبی، دربار معزالدوله به یکی از مهم‌ترین مراکز تجمع ادیبان، شاعران، دانشمندان و هنرمندان تبدیل شد. مهلبی خود نیز ادیبی توانمند و شاعری چیره‌دست بود و با برگزاری محافل ادبی و علمی، نقش بسزایی در رونق فرهنگ و ادب در دوره بویهی ایفا کرد. او با حمایت از شاعران و نویسندگان، به خلق آثار ارزشمند ادبی و تاریخی کمک کرد.

منابع تاریخی متعددی از جمله «تاریخ بغداد» خطیب بغدادی، «نیمه الدهر» نعالبی و «تجارب الامم» مسکویه به نقش برجسته مهلبی در حمایت از علم و ادب اشاره کرده‌اند. این منابع نشان می‌دهند که مهلبی نه تنها خود فردی دانشمند و ادیب بود، بلکه با درایت و تدبیر خود، زمینه را برای شکوفایی استعدادهای علمی و ادبی در جامعه فراهم آورد.

تجزیه و تحلیل دقیق گزینه صحیح:

گزینه ۲ به درستی ابومحمد مهلبی را به عنوان وزیر معزالدوله معرفی کرده و مهم‌ترین وجه شهرت او را حمایت از مجالس ادبی و اهل علم و فضل دانسته است. این گزینه با اطلاعات موجود در منابع معتبر تاریخی همخوانی کامل دارد. در دوره معزالدوله، که یکی از مقتدرترین حکمرانان بویهی بود، توجه ویژه‌ای به امور فرهنگی و علمی مبذول شد و مهلبی به عنوان وزیر با کفایت او، نقش کلیدی در این زمینه ایفا نمود.

تفسیر، نقد و بررسی کامل گزینه صحیح:

انتخاب گزینه ۲ به عنوان پاسخ صحیح، نشان‌دهنده درک عمیق از نقش وزرا در دوره بویهی و اهمیت حمایت از علم و ادب در آن دوران است. مهلبی نه تنها یک مقام اداری بلکه یک شخصیت فرهنگی تأثیرگذار بود که با اقدامات خود، به غنای فرهنگی و تمدنی ایران در قرون اولیه اسلامی کمک شایانی کرد. بررسی نقش مهلبی نشان می‌دهد که در دوره بویهی، در کنار اقتدار سیاسی و نظامی، به جنبه‌های فرهنگی و علمی نیز توجه ویژه‌ای می‌شد و وزرا می‌توانستند نقش مهمی در این عرصه ایفا کنند.

شخصیت‌ها و نظرات و آثارشان:

- **ابومحمد مهلبی:** وزیر دانشمند و ادیب دوره بویهی، به ویژه در دوران معزالدوله. او خود شاعر و نویسنده‌ای توانا بود و به حمایت از اهل علم و ادب شهرت داشت. از آثار او اطلاعات دقیقی در دست نیست، اما نقش او در رونق مجالس ادبی و حمایت از دانشمندان در منابع تاریخی ذکر شده است.



- **معزالدوله دیلمی (احمد بن بویه):** یکی از سه برادر بنیانگذار سلسله بویه. او بر عراق و مناطق مرکزی ایران حکومت کرد و دوران حکومتش از مهم‌ترین دوره‌های این سلسله به شمار می‌رود. معزالدوله به قدرت نظامی و سیاسی خود مشهور بود، اما به امور فرهنگی نیز توجه داشت و دربار او محلی برای تجمع علما و ادبا بود.
 - **عزالدوله بختیار:** پسر و جانشین معزالدوله. دوران حکومتش با ضعف و درگیری‌های داخلی همراه بود. اطلاعات چندانی درباره نقش او در امور مالی و حسابداری در مقایسه با نقش مهلبی در حمایت از ادب وجود ندارد.
 - **رکن‌الدوله (حسن بن بویه):** برادر بزرگ معزالدوله که بر فارس و اصفهان حکومت می‌کرد. او نیز از حکمرانان مقتدر بویه بود و به تدبیر و سیاستمداری شهرت داشت. تمرکز اصلی او بیشتر بر حفظ قلمرو و مقابله با تهدیدات خارجی بود.
 - **عضدالدوله (فناخسرو بن رکن‌الدوله):** پسر رکن‌الدوله و مشهورترین حکمران سلسله بویه. دوران حکومتش عصر طلایی این سلسله به شمار می‌رود. او به آبادانی، عمران، ساخت بیمارستان‌ها و توجه به امور علمی و فرهنگی شهرت داشت. اگرچه عضدالدوله به دیوان رسائل توجه داشت، اما شهرت مهلبی بیشتر در زمینه حمایت از مجالس ادبی بود.
- توضیحات تکمیلی:**
- **سلسله بویه:** یک سلسله شیعی ایرانی که از اوایل قرن چهارم تا اواسط قرن پنجم هجری قمری در بخش‌های وسیعی از ایران و عراق حکومت کردند. این سلسله نقش مهمی در احیای فرهنگ و تمدن ایرانی پس از حمله اعراب ایفا کرد و در دوران آن‌ها، زبان فارسی و علوم مختلف رونق یافتند.
 - **بغداد:** پایتخت خلافت عباسی که در دوره بویه تحت نفوذ آن‌ها قرار داشت. بغداد در این دوره همچنان یکی از مهم‌ترین مراکز علمی و فرهنگی جهان اسلام به شمار می‌رفت و دربار خلفا و امرا بویه محل تجمع دانشمندان و هنرمندان بود.
 - **دیوان رسائل:** یکی از مهم‌ترین نهادهای اداری در حکومت‌های اسلامی که وظیفه نگارش و تنظیم نامه‌ها و فرمان‌های حکومتی را بر عهده داشت. تحول در این دیوان و شیوه مکاتبات نشان‌دهنده اهمیت آن در اداره امور کشور بود.
 - **مجالس ادبی:** محافل و نشست‌هایی که در آن شاعران، نویسندگان، ادیبان و علاقه‌مندان به ادبیات گرد هم می‌آمدند و به تبادل نظر، شعرخوانی و بحث و گفتگو می‌پرداختند. این مجالس نقش مهمی در حفظ و گسترش زبان و ادب فارسی و عربی در دوره بویه داشتند.
 - **اهل علم و فضل:** اصطلاحی که به دانشمندان، علما، ادیبان، شاعران و افرادی که در زمینه‌های مختلف علمی و فرهنگی صاحب دانش و مهارت بودند، اطلاق می‌شد. حمایت از این افراد از وظایف مهم حکمرانان و وزرای فرهیخته در دوره‌های مختلف تاریخی بوده است.
 - **امور مالی و حسابداری:** یکی از ارکان اصلی اداره حکومت که شامل جمع‌آوری مالیات، تنظیم بودجه و نظارت بر هزینه‌ها می‌شد.
 - **امور رزمی و فرماندهی لشکر:** مربوط به مسائل نظامی و هدایت نیروهای مسلح در جنگ‌ها و فتوحات.
 - **فتوح:** به معنای گشایش و پیروزی در جنگ‌ها و گسترش قلمرو.
- دلایل عدم انتخاب گزینه‌های دیگر:**
- **گزینه ۱) عزالدوله بختیار - تنظیم امور مالی و حسابداری:** اگرچه تنظیم امور مالی و حسابداری از وظایف مهم وزرا در هر دوره‌ای بوده است، اما شهرت اصلی ابومحمد مهلبی به دلیل نقش او در حمایت از مجالس ادبی و اهل علم و فضل بود، نه به خاطر دستاوردهای خاص در زمینه امور مالی در دوران عزالدوله. علاوه بر این، دوران حکومت عزالدوله با ضعف و نابسامانی همراه بود و نقش برجسته مهلبی بیشتر در دوره معزالدوله نمود داشت.
 - **گزینه ۲) رکن‌الدوله - امور رزمی و فرماندهی لشکر در دوران فتوح:** رکن‌الدوله بیشتر به عنوان یک حاکم مقتدر و سیاستمدار شناخته می‌شود که توانست قلمرو خود را حفظ کند. تمرکز اصلی او بر امور نظامی و سیاسی بود و نقش ابومحمد مهلبی در دوران او به اندازه دوران معزالدوله برجسته نیست. همچنین، شهرت مهلبی در زمینه امور ادبی و فرهنگی است، نه نظامی.
 - **گزینه ۴) عضدالدوله - ایجاد تحول در دیوان رسائل و شیوه مکاتبات:** عضدالدوله یکی از بزرگترین حکمرانان بویه بود و اقدامات مهمی در زمینه‌های مختلف از جمله اداره امور و دیوان رسائل انجام داد. با این حال، شهرت ابومحمد مهلبی بیشتر به دلیل حمایت از مجالس ادبی و اهل علم و فضل در دوران معزالدوله است. اگرچه ممکن است مهلبی در دیوان رسائل نیز نقش داشته باشد، اما این وجه از فعالیت او در مقایسه با نقش فرهنگی‌اش کمتر مورد توجه منابع تاریخی قرار گرفته است.
- مطالب تخصصی**
- **دوره بویه: (Buyid Period)** دوره‌ای مهم در تاریخ ایران پس از اسلام که در آن، خاندان بویه که اصالتاً از منطقه دیلمان بودند، بر بخش‌های وسیعی از ایران و عراق حکومت کردند. این دوره به دلیل احیای قدرت ایرانیان و رونق فرهنگ و ادب فارسی اهمیت دارد.
 - **وزیر: (Vizier)** عالی‌ترین مقام اداری پس از پادشاه یا خلیفه در حکومت‌های اسلامی. وزیر نقش مهمی در اداره امور کشور، مشاوره به حاکم و اجرای سیاست‌های حکومتی داشت.
 - **اهل قلم: (People of the Pen)** اصطلاحی که در دوره اسلامی به طبقه دیوانیان، نویسندگان، منشیان و افرادی که در امور اداری و دفتری فعالیت می‌کردند، اطلاق می‌شد.
 - **اهل سیف: (People of the Sword)** اصطلاحی که در دوره اسلامی به طبقه نظامیان و افرادی که در امور جنگی و دفاع از کشور فعالیت می‌کردند، اطلاق می‌شد.



- **نهضت ترجمه (Translation Movement):** جنبشی که در قرون اولیه اسلامی به اوج خود رسید و طی آن، آثار علمی و فلسفی یونانی، هندی و ایرانی به زبان عربی ترجمه شدند. این نهضت نقش مهمی در شکوفایی علوم در جهان اسلام از جمله در دوره بویهی داشت.
- **شعوبیه (Shu'ubiyah):** جنبشی فرهنگی و سیاسی در قرون اولیه اسلامی که توسط ایرانیان و دیگر اقوام غیرعرب در واکنش به برتری‌طلبی عرب‌ها شکل گرفت. این جنبش به احیای فرهنگ و هویت ایرانی کمک کرد و در دوره بویهی نمود بیشتری یافت.

مطالب تکمیلی:

نقش وزرا در دوره بویهی بسیار پررنگ بود. با توجه به ضعف خلافت عباسی، امرا و سلاطین بویهی قدرت زیادی داشتند و وزرای آن‌ها نیز از نفوذ قابل توجهی برخوردار بودند. برخی از وزرای بویهی مانند ابوالفضل بن عمید و صاحب بن عباد، علاوه بر مهلبی، از شخصیت‌های برجسته علمی و ادبی زمان خود بودند و نقش مهمی در اداره کشور و حمایت از فرهنگ و دانش ایفا کردند. بررسی زندگی و فعالیت این وزرا می‌تواند درک بهتری از اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دوره بویهی به دست دهد.

منابع طراحی سؤال:

- تاریخ ایران کمبریج، جلد چهارم: از حمله عرب تا سلاجقه. فصل مربوط به دوره بویهی و مباحث مربوط به خلفا، امرا و وزرای این دوره.
- زرین‌کوب، عبدالحسین. تاریخ ایران بعد از اسلام. بخش مربوط به دوره بویهی و تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن.
- اشیولر، برتولد. تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی. فصل مربوط به دوره بویهی و شرح حکومت و وزرای آن.
- نفیسی، سعید. تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری. بخش مربوط به دوره بویهی و وضعیت ادبی و فرهنگی آن.
- منابع دست اول تاریخی مانند:
 - تجارب الامم اثر ابوعلی مسکویه.
 - یتیمه الدهر اثر ابومنصور ثعالبی.
 - تاریخ بغداد اثر خطیب بغدادی.
 - الکامل فی التاریخ اثر عزالدین ابن اثیر.

۳. گزینه ۲)

موضوع و منظور سؤال: این سؤال به دنبال شناسایی حوزه مسئولیت اصلی و تخصصی مقامی با عنوان «صاحب دیوان» در ساختار اداری و بوروکراسی حکومت آل بویه (۳۲۰-۴۴۷ هجری قمری / ۹۳۲-۱۰۵۵ میلادی) است. هدف، سنجش دانش داوطلب درباره تشکیلات دیوانی ایران در قرون میانه اسلامی، به ویژه در یکی از مهم‌ترین دوره‌های تاریخی ایران پس از اسلام است.

شماره گزینه صحیح: ۲

شرح، تحلیل، تفسیر، نقد و بررسی گزینه صحیح (گزینه ۲: مالی و مالیه):

گزینه ۲، «مالی و مالیه»، به درستی حوزه اصلی نظارت و مسئولیت صاحب دیوان در دوره آل بویه را مشخص می‌کند. دلایل علمی و تاریخی این انتخاب به شرح زیر است:

- **ریشه و مفهوم دیوان:** واژه «دیوان» ریشه در زبان فارسی باستان و میانه دارد و در دوره ساسانی به دفتر ثبت مالیات و امور دولتی اطلاق می‌شد. پس از ورود اسلام به ایران، این مفهوم و ساختار اداری توسط مسلمانان اقتباس و گسترش یافت. در خلافت عباسی و حکومت‌های مستقل ایرانی مانند آل بویه، دیوان‌ها به وزارتخانه‌ها یا ادارات تخصصی مختلفی تقسیم می‌شدند که هر کدام مسئولیت بخشی از امور حکومتی را بر عهده داشتند.
- **دیوان استیفاء (دیوان مالیه):** مهم‌ترین دیوان در هر حکومتی، دیوان مسئول امور مالی، جمع‌آوری درآمدها (خراج، جزیه، مالیات‌های گوناگون) و مدیریت هزینه‌ها بود. این دیوان معمولاً با عناوینی چون «دیوان استیفاء»، «دیوان خراج» یا «دیوان زمام» شناخته می‌شد. رئیس این دیوان، که نقشی حیاتی در پایداری حکومت داشت، مقامی بلندپایه بود.
- **عنوان «صاحب دیوان»:** در دوره آل بویه، اگرچه ممکن بود وزیری قدرتمند بر تمام دیوان‌ها نظارت عالییه داشته باشد، اما عنوان «صاحب دیوان» به طور خاص و در معنای اخص، اغلب به رئیس دیوان مالیه یا «دیوان استیفاء» اطلاق می‌شد. این مقام مسئول مستقیم ثبت و ضبط درآمدها و هزینه‌ها، نظارت بر عملکرد عاملان مالیاتی در سراسر قلمرو، تهیه بودجه و ارائه گزارش‌های مالی به امیر یا وزیر اعظم بود. وی را «مستوفی الممالک» نیز می‌نامیدند، هرچند این عنوان در دوره‌های بعد رایج‌تر شد.
- **اهمیت امور مالی:** در ساختار حکومتی آل بویه که اغلب با چالش‌های مالی، نیاز به پرداخت مواجب سپاهیان (به‌ویژه ترکان و دیلمیان) و اداره سرزمین‌های گسترده مواجه بودند، کنترل دقیق بر امور مالی و مالیه اهمیتی حیاتی داشت. بنابراین، صاحب دیوان مالیه یکی از ارکان اصلی اداره کشور محسوب می‌شد.
- **تفکیک وظایف:** هرچند گاهی ممکن بود فردی واحد، به خصوص وزیری مقتدر مانند صاحب بن عباد، چندین مسئولیت از جمله وزارت و نظارت بر دیوان مالیه را همزمان بر عهده داشته باشد، اما ساختار دیوانی به طور کلی تفکیک وظایف را ایجاب می‌کرد. در این ساختار، مسئولیت اصلی «صاحب دیوان» (در معنای رئیس یک دیوان خاص و نه لزوماً وزیر اعظم) عمدتاً بر امور مالی متمرکز بود.



تحلیل و تفسیر: انتخاب این گزینه نشان می‌دهد که داوطلب با ساختار بوروکراسی پیچیده دوره آل بویه و اهمیت محوری مدیریت مالی در آن آشناست. «صاحب دیوان» به عنوان ناظر بر امور مالی، نقش کلیدی در تأمین منابع لازم برای اداره حکومت، پرداخت حقوق سپاهیان و انجام پروژه‌های عمرانی ایفا می‌کرد. این مقام، در واقع وزیر دارایی یا خزانه‌دار کل حکومت به شمار می‌رفت.

نقد و بررسی: باید توجه داشت که عناوین اداری در طول تاریخ و حتی در دوره‌های مختلف یک سلسله، ممکن بود دچار تغییر یا هم‌پوشانی شوند. گاهی عنوان «صاحب دیوان» می‌توانست به صورت عام به رئیس هر دیوانی اطلاق شود. همچنین، در مواردی که وزیری قدرتمند کنترل مستقیمی بر امور مالی داشت، ممکن بود مرز بین وظایف وزیر و صاحب دیوان مالیه کمرنگ شود. با این حال، با توجه به تفکیک تخصصی دیوان‌ها، محوری‌ترین و شناخته‌شده‌ترین وظیفه مرتبط با عنوان «صاحب دیوان» (به عنوان رئیس یک دیوان کلیدی) نظارت بر امور مالی و مالیه بوده است.

شخصیت‌ها و نظرات و آثارشان:

- **آل بویه (Buyid Dynasty):** خاندانی ایرانی تبار و شیعه مذهب از منطقه دیلم در شمال ایران که در قرن چهارم هجری قمری (دهم میلادی) به قدرت رسیدند. آنها با تصرف بغداد، خلافت عباسی را تحت نفوذ و کنترل خود درآوردند اما خلیفه را به عنوان نماد مذهبی حفظ کردند. مراکز اصلی حکومت آنها شهرهای ری، شیراز و بغداد بود. دوران آل بویه به دلیل احیای فرهنگ و زبان فارسی، حمایت از دانشمندان و ادیبان (مانند ابن سینا، ابوریحان بیرونی، فردوسی در اواخر دوره، و صاحب بن عباد) و رونق تشیع اثنی عشری اهمیت دارد. امرای مشهور آنان عبارتند از: عمادالدوله علی، رکن‌الدوله حسن و معزالدوله احمد و عضدالدوله فناخسرو.
 - **صاحب بن عباد (Sahib ibn Abbad) (۳۲۶-۳۸۵ ه‍.ق):** اسماعیل بن عباد، ادیب، دانشمند و وزیر مشهور آل بویه، به ویژه در دربار مؤیدالدوله و فخرالدوله در ری. او به «صاحب» مشهور بود و به دلیل کفایت اداری، دانش گسترده و حمایت بی‌دریغ از اهل علم و ادب، یکی از برجسته‌ترین وزرای تاریخ ایران محسوب می‌شود. اگرچه او وزیر اعظم بود و بر کل دیوان‌ها نظارت داشت، اما نمونه‌ای از یک مدیر ارشد در دوره آل بویه است که تشکیلات دیوانی، از جمله دیوان مالیه، زیر نظر او کار می‌کردند. آثار متعددی در ادبیات، لغت و کلام از وی باقی مانده است، از جمله کتاب «المحیط» در لغت.
 - **دیوان (Diwan):** همانطور که ذکر شد، به معنای دفتر، اداره یا وزارتخانه دولتی. در دوره آل بویه، دیوان‌های متعددی وجود داشت:
 - **دیوان استیفاء/خراج/زمام:** مسئول امور مالی و مالیه.
 - **دیوان رسائل/انشاء:** مسئول مکاتبات رسمی، نامه‌ها و فرمان‌ها.
 - **دیوان عرض:** مسئول امور سپاه و ارتش (سان دیدن، ثبت‌نام، پرداخت مواجب).
 - **دیوان برید:** مسئول پست و اطلاعات.
 - **دیوان اشراف:** مسئول بازرسی و نظارت بر عملکرد سایر دیوان‌ها و مقامات.
 - **بغداد، ری، شیراز:** پایتخت‌ها و مراکز مهم سیاسی، اداری و فرهنگی آل بویه که دیوان‌های اصلی در آن‌ها مستقر بودند.
 - **ساختار اداری (Bureaucracy):** نظام دیوان‌سالاری در دوره آل بویه عمدتاً از الگوهای ساسانی و عباسی پیروی می‌کرد، اما با توجه به شرایط خاص این دوره (مانند قدرت نظامی دیلمیان و ترکان و نفوذ بر خلافت) ویژگی‌های خاص خود را نیز داشت.
- دلایل عدم انتخاب گزینه‌های دیگر:**
- **گزینه ۱ (رسائل):** **Correspondence** - این امور مربوط به «دیوان رسائل» یا «دیوان انشاء» بود. رئیس این دیوان «کاتب» یا «منشی» نامیده می‌شد و وظیفه‌اش نگارش نامه‌های رسمی، فرمان‌ها، پیمان‌نامه‌ها و سایر اسناد دولتی بود. این حوزه کاری کاملاً از امور مالی و مالیه جدا بود.
 - **گزینه ۳ (دیوان اعلی):** **Supreme Diwan** - این عبارت معمولاً به مهم‌ترین دیوان یا به طور کلی به کل تشکیلات اداری تحت نظر وزیر اعظم اطلاق می‌شد. اگرچه دیوان مالیه جزئی از دیوان اعلی (به معنای کل بوروکراسی) بود، اما «دیوان اعلی» خود یک حوزه نظارتی مشخص و محدود مانند مالیه یا رسائل نبود، بلکه بیشتر به مفهوم مرکزیت اداری یا دفتر وزیر اشاره داشت که بر همه دیوان‌ها اشراف کلی داشت. سؤال به دنبال حوزه تخصصی «صاحب دیوان» است، نه نهاد بالادستی هماهنگ‌کننده.
 - **گزینه ۴ (تشریفات دیوان و دربار Ceremonies of the Diwan and Court):** امور مربوط به تشریفات، استقبال از سفرا، برگزاری جشن‌ها و مراسم رسمی معمولاً بر عهده مقامی به نام «حاجب» (دربار یا رئیس تشریفات) یا مقامات مشابه بود و ربطی به وظایف مالی و اداری مستقیم صاحب دیوان (به معنای رئیس دیوان مالیه) نداشت.
- مطالب تخصصی:**
- **صاحب دیوان (Sahib al-Diwan):** به معنای «دارنده یا مسئول دیوان». در کاربرد خاص دوره آل بویه و دوره‌های مشابه، اغلب به رئیس دیوان مالیه (استیفاء) اشاره دارد.
 - **دیوان استیفاء (Diwan al-istifa'):** دیوان مالیه و محاسبات. واژه «استیفاء» به معنی تمام و کمال دریافت کردن (حقوق دولت) است. این دیوان مسئولیت ثبت، ضبط، دخل و خرج و نظارت بر جمع‌آوری مالیات‌ها را بر عهده داشت.
 - **وزیر (Wazir/Vizier):** مقام ارشد اجرایی و رئیس بوروکراسی پس از حاکم (امیر یا خلیفه). وزیر بر کار تمام دیوان‌ها نظارت عالی‌ه داشت. گاهی ممکن بود وظایف صاحب دیوان مالیه را نیز مستقیماً انجام دهد یا صاحب دیوان زیر نظر او کار کند.
 - **دیوان رسائل / (Diwan al-Rasa'il) دیوان انشاء (Diwan al-Insha'):** دیوان مسئول مکاتبات رسمی و دیپلماتیک.



- **خراج (Kharaj):** مالیات ارضی که از زمین‌های کشاورزی گرفته می‌شد. یکی از منابع اصلی درآمد دولت.
- **جزیه (Jizya):** مالیات سرانه‌ای که از اهل ذمه (غیرمسلمانان تحت حمایت حکومت اسلامی) دریافت می‌شد.
- **بیت‌المال (Bayt al-Mal):** خزانه عمومی دولت اسلامی که درآمدها در آن جمع و هزینه‌ها از آن پرداخت می‌شد. صاحب دیوان مالیه بر بیت‌المال نظارت داشت.
- **نظام اقطاع (Iqta' System):** واگذاری حق جمع‌آوری مالیات یک منطقه به یک فرد نظامی یا دیوانی در قبال انجام خدمات (معمولاً نظامی). این نظام در دوره آل بویه گسترش یافت و تأثیر زیادی بر سیستم مالی و قدرت نظامی داشت و مدیریت آن بخشی از چالش‌های دیوان مالیه بود.
- **مطالب تکمیلی:**
- پیچیدگی نظام دیوانی در دوره آل بویه بازتابی از پیچیدگی ساختار قدرت در این دوره بود که شامل امیران متعدد بویه در مناطق مختلف، خلیفه عباسی در بغداد و نیروهای نظامی قدرتمند (دیلمی و ترک) می‌شد.
- کارایی دیوان مالیه و توانایی صاحب دیوان در تأمین منابع، نقش مستقیمی در ثبات سیاسی و قدرت نظامی امرای بویه داشت. کمبود منابع مالی اغلب منجر به شورش سپاهیان و بی‌ثباتی می‌شد.
- میراث دیوانی آل بویه، مانند سایر حکومت‌های ایرانی پس از اسلام، بر تشکیلات اداری دوره‌های بعدی، از جمله سلجوقیان، تأثیر گذاشت.
- **منابع طراحی سوال :**
- ۱. **تاریخ ایران کمبریج، جلد چهارم: از فروپاشی دولت ساسانی تا آمدن سلجوقیان**، ترجمه حسن انوشه، انتشارات امیرکبیر. (به ویژه فصل‌های مربوط به آل بویه و ساختارهای اداری).
- ۲. **تاریخ ایران بعد از اسلام**، عبدالحسین زرین‌کوب، انتشارات امیرکبیر. (بخش مربوط به حکومت‌های ایرانی قرون نخستین و تشکیلات دیوانی).
- ۳. **آل بویه و اوضاع زمان ایشان**، علی‌اصغر فقیهی، انتشارات صبا. (این کتاب به طور تخصصی به آل بویه می‌پردازد و شامل جزئیات اداری و دیوانی است).
- ۴. **تاریخ دیلم و گیلان**، ظهیرالدین مرعشی (اگرچه بیشتر به تاریخ محلی می‌پردازد، اما اطلاعاتی درباره خاستگاه آل بویه دارد). ۵. **تاریخ اجتماعی ایران**، مرتضی راوندی، جلد دوم. (بخش مربوط به نهادهای اجتماعی و اداری در قرون میانه).
- ۴. **گزینه ۴**
- موضوع و منظور سؤال:** این سؤال در پی تعیین وظیفه مشخص و دقیق مقام «مستخرج» در ساختار بوروکراسی حکومت غزنویان (۳۶۶-۵۸۲ هجری قمری / ۹۷۷-۱۱۸۶ میلادی) است. هدف، ارزیابی دانش تخصصی داوطلب درباره یکی از جنبه‌های کمتر رایج اما مهم نظام اداری ایران در عصر غزنوی، یعنی سازوکار مصادره اموال و نقش عاملان آن است.
- شماره گزینه صحیح: ۴**
- شرح، تحلیل، تفسیر، نقد و بررسی گزینه صحیح (گزینه ۴: در مصادره اموال افراد از آنها بازجویی می‌کرد و اقرار می‌گرفت):**
- گزینه ۴ به درستی وظیفه اصلی و شناخته‌شده «مستخرج» در دوره غزنوی را بیان می‌کند. دلایل علمی و تاریخی انتخاب این گزینه به شرح زیر است:
- **ریشه‌شناسی و معنای لغوی:** واژه «مستخرج» اسم فاعل از باب استفعال عربی و از ریشه «خ-ر-ج» (خرج) به معنای «بیرون کشنده»، «استخراج کننده» یا «کسی که چیزی را با تلاش و پیگیری بیرون می‌آورد» است. این معنا به خودی خود به نوعی فعالیت برای به دست آوردن چیزی پنهان یا بازپس‌گیری اموال اشاره دارد.
- **نهاد مصادره (Musadara):** یکی از ویژگی‌های بارز نظام‌های مالی و سیاسی در بسیاری از حکومت‌های اسلامی قرون میانه، از جمله غزنویان، وجود نهاد «مصادره» بود. مصادره به معنای توقیف و ضبط اموال و دارایی‌های افراد، به ویژه کارگزاران دولتی معزول، ثروتمندان، یا متهمان به اختلاس و خیانت بود. این اقدام یکی از راه‌های کسب درآمد برای حکومت، بازگرداندن اموال عمومی و همچنین ابزاری برای کنترل سیاسی و حذف رقبای احتمالی به شمار می‌رفت.
- **نقش مستخرج در فرآیند مصادره:** در فرآیند مصادره، حکومت نیاز به افرادی داشت که بتوانند با روش‌های مختلف، میزان دقیق دارایی‌های فرد مورد نظر را مشخص کرده و او را وادار به افشای اموال پنهان و تسلیم آن‌ها به خزانه دولت کنند. «مستخرج» دقیقاً چنین نقشی داشت. او مسئول بازجویی از فرد مصادره‌شده بود و با استفاده از فشار، تهدید و گاه شکنجه (که در منابع تاریخی با عنوان «استخراج» از آن یاد شده)، تلاش می‌کرد تا فرد به تمامی دارایی‌های خود اقرار کند و آن‌ها را تحویل دهد. وظیفه او «استخراج» اطلاعات و اموال از شخص مورد نظر بود.
- **شواهد تاریخی:** منابع تاریخی دوره غزنوی، مانند «تاریخ بیهقی» نوشته ابوالفضل بیهقی که منشی دیوان رسائل غزنویان بود، به روشنی به عمل مصادره و نقش عاملان آن اشاره می‌کنند. اگرچه ممکن است همیشه از عنوان دقیق «مستخرج» استفاده نشده باشد، اما شرح وقایع مربوط به برکناری و مصادره اموال رجال دولتی (مانند حسنک وزیر یا احمد بن حسن میمندی پس از عزل اول) نشان‌دهنده وجود چنین کارگزارانی با این وظیفه مشخص است. کلیفورد ادموند باسورث (C.E. Bosworth) نیز در اثر مرجع خود درباره غزنویان به نهاد مصادره و عاملان آن اشاره می‌کند.
- **دیوان مصادره:** گاهی برای ساماندهی به امور مصادره، دیوان مستقلی به نام «دیوان مصادره» یا «دیوان استخراج» تشکیل می‌شد که مستخرجین زیر نظر آن فعالیت می‌کردند. این نشان می‌دهد که این وظیفه، بخشی تعریف‌شده و ساختارمند از نظام اداری بوده است.



تاریخ ایران از قاجار تا انقلاب اسلامی

۳۱. نخستین وزارتخانه‌های ایران در عهد کدام شاه قاجار تأسیس شد؟
(۱) محمد شاه (۲) فتحعلی شاه (۳) مظفرالدین شاه (۴) ناصرالدین شاه
۳۲. کدام مورد از مفاد معاهده فین کن اشتاین نبود؟
(۱) اخراج عموم انگلیسی‌ها و اتباع آن‌ها از خاک ایران
(۲) بستن سرحدات و ابواب ایران بر روی عموم عمال انگلیسی
(۳) وعده فرانسه مبنی بر بذل مساعی کامل برای اجبار روسیه به تخلیه ایران
(۴) عقد اتحاد با قبایل بلوچستان برای حمله به متصرفات انگلیس در هند
۳۳. کدام یک از سکه‌های طلای ضرب شده در دوره فتحعلی شاه قاجار است؟
(۱) جندک (۲) کشورستان (۳) شاهی سفید (۴) قراپول
۳۴. کدام یک، در شمار مأموریت‌های اصلی ژنرال گاردان در ایران نبود؟
(۱) تشدید دشمنی ایران علیه روسیه
(۲) عقد معاهده سیاسی، نظامی و تجاری با ایران
(۳) تشویق ایران برای تشکیل اتحاد با فرانسه و عثمانی
(۴) مطالعه درباره امکانات، قشون و راه‌های ایران برای حمله به هند
۳۵. مهم‌ترین تهدید برای موقعیت ولیعهدی عباس میرزا و جانشینی وی به جای پدرش از ناحیه کدام برادر او بود؟
(۱) محمدتقی میرزا (۲) حسنعلی میرزا (۳) محمدعلی میرزا دولتشاه (۴) حسینعلی میرزا فرمانفرما
۳۶. کدام محصل اعزامی به انگلستان در سال ۱۲۳۰ق، علاوه بر طراحی ساختمان دارالفنون، ترجمه کتاب‌هایی درباره تاریخ اروپا را عهده‌دار شد؟
(۱) میرزا رضا مهندس (۲) استاد محمدعلی چخماق‌ساز
(۳) میرزا صالح شیرازی (۴) میرزا جعفر مهندس مشیرالدوله
۳۷. کدام عضو هیأت کنت دو سرسی در سال ۱۸۴۰ - ۱۸۳۹، مأمور شناسایی آثار باستانی ایران بود و سفرنامه‌ای از خود به یادگار نهاد؟
(۱) اوژن اوپن (۲) اوژن فلاندن (۳) جیمز فوریه (۴) سارتریز
۳۸. اساس تذکره عبور و مرور (پاسپورت) در دوره صدارت کدام صدر اعظم عهد ناصری، وضع گردید؟
(۱) میرزا تقی خان امیرکبیر (۲) میرزا آقاخان نوری (۳) میرزا حسین‌خان سپهسالار (۴) میرزا علی‌خان امین‌الدوله
۳۹. کدام مورد درباره تشکیلات و وضع قوانین جدید در وزارت عدلیه در دوره ناصری درست است؟
(۱) در دوران صدارت امیرکبیر تشکیلات آن به طرز جدید درآمد و قوانین تازه‌ای وضع شد.
(۲) میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله تبریزی، بانی و مؤسس تشکیلات و وضع قوانین جدید آن بود.
(۳) میرزا علی‌خان امین‌الدوله در دوره صدارت خود، تشکیلات و قوانین تازه‌ای در وزارت عدلیه ایجاد کرد.
(۴) در دوره وزارت عدلیه میرزا حسین‌خان سپهسالار، تشکیلات، قوانین و دستورالعمل‌های جدید آن تأسیس و تدوین شد.
۴۰. کدام ایلخان با انتصاب نقیب برای شیعیان در بین‌النهرین، ری، خراسان و بقیه مناطق ایران، مستقیماً در اداره امور جامعه شیعه دخالت کرد؟
(۱) الجایتو (۲) ابوسعید (۳) غازان (۴) هلاکوخان
۴۱. شیخیه در رقابت با نهاد و مقام مرجعیت، اعلم کدام مقام دینی را پی نهاد؟
(۱) باب (۲) حجت حق (۳) رکن رابع (۴) قطب‌الاقطاب
۴۲. عبارت مشهور «خیال قنسطیتوسین داشتم» از کیست؟
(۱) میرزا تقی‌خان امیرکبیر (۲) ابوالقاسم قائم مقام فراهانی (۳) میرزا حسین‌خان سپهسالار (۴) میرزا علی‌اصغرخان اتابک
۴۳. از دیدگاه روح‌الله رضائی در کتاب «تاریخ سیاست خارجی ایران»، کدام گزینه از مؤلفه‌های اصلی سیاست خارجی اقتصادی ایران در قرن ۱۹ به شمار نمی‌رود؟
(۱) تجارت خارجی (۲) استقراض از خارجه (۳) امتیازات اقتصادی (۴) آشنایی ایرانیان با اقتصاد جهانی
۴۴. محمد یوسف نوری، در دوره ناصری کدام کتاب را در زمینه «کشاورزی» نوشت؟
(۱) ارشاد الزراعه (۲) ورزشنامه (۳) معرفت فلاح (۴) مفاتیح‌الارزاق
۴۵. کدام اداره جزو ادارات پنجگانه تشکیلات وزارت خارجه در دوره ناصری نبود؟
(۱) انگلیس (۲) عثمانی (۳) دول همجوار (۴) انطباعات و دارالترجمه
۴۶. کدام دولت، مخالف اصلی معاهده دولتی و تجاری ایران و آمریکا (۱۲۷۳ق / ۱۸۵۷م)، بود؟
(۱) انگلستان (۲) روسیه (۳) عثمانی (۴) فرانسه



موضوع و منظور سؤال:

سؤال به بررسی تاریخی تأسیس نخستین وزارتخانه‌ها در ایران طی دوره قاجاریه می‌پردازد و از داوطلب می‌خواهد مشخص کند که این نهادهای اداری در زمان کدام پادشاه قاجار پایه‌گذاری شده‌اند. منظور سؤال، شناسایی نقطه عطف تحولات اداری و دیوانی در ساختار حکومتی قاجار است که نشان‌دهنده تلاش برای ایجاد نظم دیوانی و تخصصی‌سازی اداره امور کشور در این دوره می‌باشد.

عنوان کلی مفهوم سؤال: تحولات نظام دیوانی و تأسیس وزارتخانه‌ها در دوره قاجاریه

تشریح دلایل انتخاب گزینه صحیح (فتحعلی شاه)

تحلیل و تفسیر گزینه صحیح:

نخستین وزارتخانه‌های ایران در دوره قاجاریه به طور مشخص در زمان فتحعلی شاه قاجار (حکومت: ۱۷۹۷-۱۸۳۴ میلادی / ۱۲۱۲-۱۲۵۰ ه‍.ق) تأسیس شدند. این اقدام بخشی از تلاش‌های اولیه برای ساماندهی نظام دیوانی و ایجاد ساختارهای اداری متمرکز در ایران بود که از الگوهای سنتی پیشین فاصله گرفته و به سمت تخصصی‌سازی وظایف حرکت کرد. یکی از مهم‌ترین وزارتخانه‌های تأسیس‌شده در این دوره، **وزارت امور خارجه** بود که به فرمان فتحعلی شاه در سال ۱۲۰۰ شمسی (حدود ۱۲۲۳ ه‍.ق / ۱۸۰۸ میلادی) پایه‌گذاری شد. این اقدام در پاسخ به نیازهای دیپلماتیک جدید ناشی از رقابت‌های بین‌المللی، به‌ویژه پس از جنگ‌های ایران و روس و امضای عهدنامه گلستان (۱۲۲۸ ه‍.ق / ۱۸۱۳ میلادی)، صورت گرفت.

دلایل تاریخی و تخصصی انتخاب گزینه:

۱. **نیاز به دیپلماسی مدرن:** در دوره فتحعلی شاه، ایران با چالش‌های دیپلماتیک بی‌سابقه‌ای مواجه شد، به‌ویژه در روابط با قدرت‌های استعماری مانند روسیه و انگلستان. جنگ‌های ایران و روس (۱۲۱۸-۱۲۲۸ ه‍.ق / ۱۸۰۴-۱۸۱۳ و ۱۲۴۱-۱۲۴۳ ه‍.ق / ۱۸۲۶-۱۸۲۸) و معاهدات گلستان و ترکمانچای (۱۲۴۳ ه‍.ق / ۱۸۲۸) ضرورت ایجاد یک نهاد تخصصی برای مدیریت روابط خارجی را برجسته کرد. تأسیس وزارت امور خارجه به‌عنوان یکی از اولین وزارتخانه‌ها، پاسخی به این نیاز بود. این وزارتخانه وظیفه هماهنگی دیپلماسی، مذاکره با سفرای خارجی، و مدیریت روابط با دولت‌های دیگر را بر عهده داشت.
۲. **تأثیرپذیری از الگوهای خارجی:** فتحعلی شاه و دربارانش تحت تأثیر نظام‌های دیوانی امپراتوری عثمانی و ساختارهای اروپایی قرار داشتند. تأسیس وزارتخانه‌ها نشان‌دهنده تلاش برای انطباق با الگوهای مدرن‌تر حکومتی بود، هرچند این تحولات هنوز در مراحل ابتدایی بودند.
۳. **شخصیت‌های کلیدی:** افرادی مانند **میرزا عبدالوهاب خان معتمدالدوله** (نخستین وزیر امور خارجه) نقش مهمی در شکل‌گیری این وزارتخانه داشتند. معتمدالدوله با دانش دیپلماتیک خود به ساماندهی روابط خارجی ایران کمک کرد و زمینه‌ساز نهادینه شدن دیپلماسی در ساختار حکومتی شد.
۴. **ساختار دیوانی قاجار:** در زمان فتحعلی شاه، نظام دیوانی هنوز به شدت متمرکز در شخص صدراعظم بود، اما تأسیس وزارتخانه‌ها گامی به سوی تفکیک وظایف و تخصصی‌سازی محسوب می‌شد. این روند بعدها در دوره ناصرالدین شاه با اصلاحات افرادی مانند میرزا تقی خان امیرکبیر و میرزا حسین خان سپهسالار تکمیل شد.

نقد و بررسی گزینه صحیح:

تأسیس وزارتخانه‌ها در زمان فتحعلی شاه، هرچند ابتدایی بود، نقطه عطفی در تاریخ اداری ایران محسوب می‌شود. این اقدام نشان‌دهنده درک دربار قاجار از نیاز به نوسازی دیوانی در مواجهه با فشارهای خارجی بود. با این حال، این وزارتخانه‌ها فاقد استقلال کامل بودند و تحت نظارت مستقیم صدراعظم و شاه عمل می‌کردند. نقد اصلی به این دوره، عدم توسعه زیرساخت‌های لازم برای کارآمدی این نهادها و وابستگی بیش از حد به شخصیت‌های خاص (مانند معتمدالدوله) است. همچنین، تمرکز اصلی بر وزارت امور خارجه نشان‌دهنده اولویت دیپلماسی بر دیگر حوزه‌های بود، که این موضوع تا حدی از جامعیت اصلاحات کاست.

اطلاعات در مورد شخصیت‌ها، وقایع، و مکان‌ها:

- **فتحعلی شاه قاجار (۱۱۸۳-۱۲۵۰ ه‍.ق):** دومین پادشاه قاجار که پس از آقامحمدخان به سلطنت رسید. او با چالش‌های بزرگی مانند جنگ‌های ایران و روس مواجه شد که به از دست رفتن بخش‌هایی از قفقاز منجر شد. فتحعلی شاه علاقه زیادی به هنر و فرهنگ داشت و دیوان شعری از او به جا مانده است. معماری دوره او، مانند کاخ‌های تهران، نشان‌دهنده شکوه ظاهری دربار بود، اما مشکلات اقتصادی و نظامی، از جمله شکست در جنگ‌ها، از نقاط ضعف حکومت او محسوب می‌شود.
- **وزارت امور خارجه:** این نهاد در تهران تأسیس شد و مرکز اصلی دیپلماسی ایران در دوره قاجار بود. فعالیت‌های آن شامل مذاکره با نمایندگان خارجی، تنظیم معاهدات، و اعزام سفرا به کشورهای دیگر بود.
- **عهدنامه گلستان:** معاهده‌ای که در سال ۱۲۲۸ ه‍.ق پس از شکست ایران در جنگ اول با روس‌ها امضا شد و بخش‌هایی از قفقاز (گرجستان، داغستان، و بخشی از آذربایجان) را به روسیه واگذار کرد. این معاهده ضرورت تقویت دیپلماسی را نشان داد.
- **میرزا عبدالوهاب خان معتمدالدوله:** از دیپلمات‌های برجسته دوره فتحعلی شاه که به‌عنوان اولین وزیر امور خارجه، نقش کلیدی در مدیریت روابط خارجی داشت. او با سفرای روس و انگلیس مذاکره کرد و در تنظیم معاهدات نقش داشت.



دلایل عدم انتخاب سایر گزینه‌ها

گزینه ۱) محمد شاه

تحلیل و دلایل عدم انتخاب:

محمد شاه قاجار (حکومت: ۱۲۵۰-۱۲۶۴ ه‍.ق / ۱۸۳۴-۱۸۴۸ میلادی) پس از فتحعلی شاه به سلطنت رسید. در دوره او، نظام دیوانی عمدتاً بر پایه ساختارهای ایجادشده در زمان فتحعلی شاه عمل می‌کرد و شواهد تاریخی نشان نمی‌دهد که وزارت‌خانه‌های جدیدی به طور خاص در این دوره تأسیس شده باشند. محمد شاه بیشتر درگیر مسائل نظامی، مانند جنگ هرات (۱۲۵۳-۱۲۵۴ ه‍.ق / ۱۸۳۷-۱۸۳۸)، و سرکوب شورش‌های داخلی بود. **نقد و بررسی:** تمرکز محمد شاه بر مسائل نظامی و عدم توجه کافی به اصلاحات اداری، باعث شد که تحولات دیوانی در دوره او محدود بماند. صدراعظم او، **حاجی میرزا آقاسی**، بیشتر به مسائل عرفانی و نظامی علاقه داشت تا نوسازی دیوانی. این دوره فاقد نوآوری‌های ساختاری در نظام وزارت‌خانه‌ها بود. **اطلاعات تکمیلی:** محمد شاه، نوه فتحعلی شاه، به دلیل بیماری و ضعف جسمانی، کمتر در اداره مستقیم امور دخالت می‌کرد. جنگ هرات، که به شکست ایران و تحمیل معاهده پاریس (۱۲۷۳ ه‍.ق / ۱۸۵۷) منجر شد، از نقاط ضعف این دوره است. هیچ سند معتبری از تأسیس وزارت‌خانه‌های جدید در این زمان وجود ندارد.

گزینه ۳) مظفرالدین شاه

تحلیل و دلایل عدم انتخاب:

مظفرالدین شاه قاجار (حکومت: ۱۲۷۵-۱۲۸۵ ه‍.ق / ۱۸۹۶-۱۹۰۷ میلادی) به دلیل امضای فرمان مشروطیت (۱۲۸۵ ه‍.ش / ۱۹۰۶ میلادی) به «شاه مشروطه» معروف است. در دوره او، نظام دیوانی تحت تأثیر جنبش مشروطه و فشارهای اجتماعی برای اصلاحات قرار داشت، اما تأسیس وزارت‌خانه‌های جدید به طور خاص در این دوره رخ نداد. وزارت‌خانه‌های موجود، مانند مالیه، خارجه، و جنگ، از دوره‌های پیشین به ارث رسیده بودند و تغییرات عمدتاً در ساختار سیاسی (مانند تشکیل مجلس شورای ملی) بود، نه در ایجاد نهادهای دیوانی جدید.

نقد و بررسی: مظفرالدین شاه به دلیل بیماری و ضعف شخصیتی، کمتر در امور حکومتی دخالت می‌کرد و صدراعظم‌هایی مانند **عین‌الدوله** و **مشیرالدوله** اداره امور را بر عهده داشتند. جنبش مشروطه، هرچند تحول بزرگی بود، اما به بازسازی نظام دیوانی منجر نشد و بیشتر بر ایجاد نهادهای قانون‌گذاری متمرکز بود.

اطلاعات تکمیلی: مظفرالدین شاه پس از ترور ناصرالدین شاه به سلطنت رسید. او ۳۵ سال ولیعهد بود و در تبریز اقامت داشت. امضای فرمان مشروطیت از مهم‌ترین اقدامات اوست، اما این اقدام در اواخر عمر او و تحت فشار اجتماعی رخ داد. هیچ سند تاریخی از تأسیس وزارت‌خانه‌های جدید در این دوره گزارش نشده است.

گزینه ۴) ناصرالدین شاه

تحلیل و دلایل عدم انتخاب:

ناصرالدین شاه قاجار (حکومت: ۱۲۶۴-۱۳۱۳ ه‍.ق / ۱۸۴۸-۱۸۹۶ میلادی) طولانی‌ترین دوره سلطنت قاجار را داشت و دوره او شاهد اصلاحات مهمی در نظام دیوانی بود، به‌ویژه با تلاش‌های **میرزا تقی خان امیرکبیر** و **میرزا حسین خان سپهسالار**. با این حال، تأسیس نخستین وزارت‌خانه‌ها به دوره او بازمی‌گردد، بلکه این وزارت‌خانه‌ها در زمان فتحعلی شاه پایه‌گذاری شده بودند. در دوره ناصرالدین شاه، اصلاحات دیوانی شامل افزایش تعداد وزارت‌خانه‌ها (مانند وزارت علوم و تلگراف) و بازسازی ساختار آن‌ها بود، اما این اقدامات ادامه‌دهنده روندهای پیشین بودند.

نقد و بررسی: اصلاحات امیرکبیر، مانند تأسیس دارالفنون و ساماندهی مالیه، و تلاش‌های سپهسالار برای ایجاد شورای دولت و افزایش تعداد وزارت‌خانه‌ها (از ۷ به ۱۴ در دوره‌ای کوتاه)، نشان‌دهنده پیشرفت‌های دیوانی است، اما این اقدامات در چارچوب وزارت‌خانه‌های موجود یا بازسازی آن‌ها بود، نه تأسیس اولیه آن‌ها.

طلاعات تکمیلی: ناصرالدین شاه به دلیل علاقه به مدرنیزاسیون، از فناوری‌هایی مانند تلگراف و عکاسی حمایت کرد. او سه سفر به اروپا داشت و با نظام‌های دیوانی غربی آشنا بود. شخصیت‌های کلیدی دوره او شامل **امیرکبیر** (صدراعظم اصلاح‌طلب که دارالفنون را تأسیس کرد) و **سپهسالار** (که به نوسازی دیوانی و حقوقی پرداخت) بودند. با این حال، اسناد تاریخی تأیید می‌کنند که وزارت‌خانه‌ها پیش‌تر در زمان فتحعلی شاه تأسیس شده بودند.

اصطلاحات تخصصی

۱. **نظام دیوانی (Bureaucratic System):** به ساختار اداری و سازمانی یک دولت برای مدیریت امور کشور گفته می‌شود. در دوره قاجار، نظام دیوانی از الگوهای سنتی (متمرکز بر صدراعظم) به سمت تخصصی‌سازی با تأسیس وزارت‌خانه‌ها حرکت کرد. این تحول در زمان فتحعلی شاه با ایجاد وزارت امور خارجه آغاز شد.
۲. **وزارت‌خانه (Ministry):** نهادی تخصصی برای اداره یک حوزه خاص از امور حکومتی (مانند خارجه، مالیه، جنگ). در دوره قاجار، وزارت‌خانه‌ها ابتدا به صورت محدود و تحت نظارت صدراعظم فعالیت می‌کردند و در دوره‌های بعدی استقلال بیشتری یافتند.
۳. **دیپلماسی مدرن (Modern Diplomacy):** رویکردی مبتنی بر مذاکرات رسمی، معاهدات بین‌المللی، و نهادهای دیپلماتیک که در دوره فتحعلی شاه با تأسیس وزارت امور خارجه در ایران نهادینه شد. این اصطلاح به مدیریت روابط خارجی با استفاده از سفرا و نمایندگان رسمی اشاره دارد.



۴. **صدر اعظم: (Grand Vizier)** بالاترین مقام اجرایی در نظام دیوانی قاجار پس از شاه، که تا پیش از مشروطه نقش هماهنگ‌کننده وزارت‌خانه‌ها را داشت. در زمان فتحعلی شاه، صدر اعظم همچنان محور اصلی اداره کشور بود، اما تأسیس وزارت‌خانه‌ها گامی به سوی کاهش قدرت مطلق او بود.
۵. **عهدنامه گلستان: (Treaty of Gulistan)** معاهده‌ای که در سال ۱۲۲۸ ه‍.ق بین ایران و روسیه امضا شد و به واگذاری بخش‌هایی از قفقاز به روسیه منجر شد. این معاهده اهمیت دیپلماسی و ضرورت وزارت امور خارجه را برجسته کرد.

نکات کلیدی اصطلاحات:

- اصطلاحات فوق نشان‌دهنده گذار از نظام دیوانی سنتی به ساختاری مدرن‌تر در دوره قاجار هستند.
 - وزارت‌خانه‌ها در ابتدا فاقد استقلال کامل بودند و تحت نظارت صدر اعظم عمل می‌کردند، که این موضوع محدودیت‌هایی در کارآمدی آن‌ها ایجاد می‌کرد.
 - دیپلماسی مدرن در ایران با تأسیس وزارت امور خارجه آغاز شد و به تدریج با اعزام سفرا و کنسول‌ها به کشورهای دیگر گسترش یافت.
- #### مطالب تکمیلی
- **زمینه‌های تأسیس وزارت‌خانه‌ها:** تأسیس وزارت‌خانه‌ها در دوره فتحعلی شاه نتیجه فشارهای خارجی (جنگ‌های ایران و روس) و نیاز به هماهنگی دیپلماتیک بود. این اقدام مقدمه‌ای برای اصلاحات بعدی در دوره ناصرالدین شاه بود که با تأسیس دارالفنون و نهادهای آموزشی و نظامی تکمیل شد.
 - **تأثیرات بلندمدت:** وزارت امور خارجه به‌عنوان اولین وزارت‌خانه، الگویی برای ایجاد دیگر وزارت‌خانه‌ها در دوره‌های بعدی شد. این نهاد به ایران کمک کرد تا در مذاکرات بین‌المللی حضوری فعال‌تر داشته باشد، هرچند ضعف نظامی و اقتصادی قاجارها تأثیر آن را محدود کرد.
 - **مقایسه با عثمانی:** در حالی که امپراتوری عثمانی از اوایل قرن نوزدهم اصلاحات گسترده دیوانی (تنظیمات) را آغاز کرده بود، ایران در دوره قاجار با تأخیر و به‌صورت محدود به این مسیر وارد شد. تأسیس وزارت امور خارجه گامی اولیه در این راستا بود.
 - **نقش معتمدالدوله:** میرزا عبدالوهاب خان معتمدالدوله نه تنها در تأسیس وزارت امور خارجه بلکه در تربیت دیپلمات‌های بعدی نیز نقش داشت. او با دانش زبان‌های خارجی و آداب دیپلماتیک، به تقویت جایگاه ایران در مذاکرات کمک کرد.

منابع طراحی سؤال

۱. کتاب: **تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در دوره قاجار**

- نویسنده: عباس امانت
- بخش: فصل دوم، تحولات دیوانی و اداری در دوره قاجار
- موضوع: بررسی تأسیس وزارت‌خانه‌ها و تغییرات ساختاری در نظام حکومتی قاجار

۲. کتاب: **تاریخ دیپلماسی و روابط خارجی ایران**

- نویسنده: محمدعلی مختاری
- بخش: فصل اول، شکل‌گیری دیپلماسی مدرن در دوره قاجار
- موضوع: تأسیس وزارت امور خارجه در زمان فتحعلی شاه و نقش آن در روابط بین‌المللی

۳. کتاب: **ایران در دوره قاجاریه**

- نویسنده: عبدالرسول خیراندیش
- بخش: فصل سوم، ساختار حکومتی و نظام دیوانی
- موضوع: تحلیل نظام دیوانی قاجار و نقش فتحعلی شاه در تأسیس نهادهای جدید

۴. مقاله: **تحولات نظام دیوانی در ایران قاجاری**

- نویسنده: محمدحسن رجبی
- منتشرشده در: فصلنامه مطالعات تاریخی
- موضوع: بررسی تخصصی تأسیس وزارت‌خانه‌ها و اصلاحات اداری در دوره قاجار

۳۲. گزینه ۴)

عنوان کلی مفهوم سؤال: مفاد و تعهدات طرفین در عهدنامه فین‌کنشتاین

موضوع و منظور سؤال: این سؤال در پی سنجش دانش دقیق داوطلب از جزئیات و مفاد مشخص عهدنامه فین‌کنشتاین (Treaty of Finckenstein)

است که در سال ۱۸۰۷ میلادی (۱۲۲۲ قمری) میان نمایندگان ناپلئون بناپارت، امپراتور فرانسه، و فتحعلی شاه قاجار، پادشاه ایران، منعقد گردید. هدف سؤال، تشخیص تعهدی است که برخلاف سایر گزینه‌ها، جزو مواد رسمی و مکتوب این پیمان‌نامه نبوده است.

دلایل تخصصی و علمی گزینه صحیح (گزینه ۴):

عهدنامه فین‌کنشتاین در قله‌ای به همین نام در پروس شرقی (لهستان امروزی) امضا شد. این پیمان نقطه اوج تلاش‌های دیپلماتیک فرانسه برای جلب اتحاد ایران علیه دشمنان اصلی خود، یعنی بریتانیا و روسیه، در چارچوب جنگ‌های ناپلئونی (Napoleonic Wars) بود. ایران نیز به دلیل شکست‌های سنگین از روسیه در دور اول جنگ‌های ایران و روس (۱۸۱۳-۱۸۰۴) و از دست دادن گرجستان، به دنبال متحدی قدرتمند برای بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی و مقابله با توسعه‌طلبی روسیه و نفوذ بریتانیا بود.



- **تجزیه و تحلیل گزینه ۴:** گزینه ۴ به "عقد اتحاد با قبایل بلوچستان برای حمله به متصرفات انگلیس در هند" اشاره دارد. در حالی که یکی از اهداف استراتژیک ناپلئون از اتحاد با ایران، ایجاد یک جبهه شرقی علیه بریتانیا و فراهم کردن مسیری برای حمله احتمالی به هندوستان (در تاج و تخت بریتانیا) بود و در این راستا، ایران متعهد به تشویق و تحریک حاکمان قندهار و کابل برای تشکیل اتحادی ضد انگلیسی گردید، اما در متن رسمی عهدنامه فین‌کنشتاین، ماده‌ای مشخص و صریح مبنی بر الزام ایران به "عقد اتحاد با قبایل بلوچستان" به منظور حمله به هند وجود ندارد. تمرکز تعهدات ایران در این زمینه بیشتر بر قطع روابط با انگلیس، اخراج اتباع آن، اعلام جنگ، و همکاری کلی در صورت لشکرکشی فرانسه به سمت هند بود. ایجاد اتحاد با گروه‌های قومی خاص مانند بلوچ‌ها، اگرچه می‌توانست بخشی از استراتژی عملیاتی باشد، اما به عنوان یک بند رسمی و الزام‌آور در پیمان ذکر نشده است. منابع تاریخی و متن‌های منتشر شده از عهدنامه، چنین تعهد مشخصی را تأیید نمی‌کنند. این نشان می‌دهد که طراح سؤال، با آگاهی از اهداف کلی فرانسه و همکاری مورد انتظار از ایران، گزینه‌ای را طراحی کرده که جزئیات آن (عقد اتحاد مشخص با قبایل بلوچستان) در متن پیمان وجود ندارد.
- **تفسیر، نقد و بررسی گزینه ۴:** ایده حمله به هند از طریق ایران یا با کمک ایران، یکی از طرح‌های مورد علاقه ناپلئون بود. او امیدوار بود که ایران بتواند با نفوذ خود بر حاکمان محلی در شرق (افغانستان و مناطق همجوار)، جبهه‌ای ضد بریتانیایی بگشاید. با این حال، عهدنامه فین‌کنشتاین بیشتر بر تعهدات کلی و استراتژیک متمرکز بود. الزام به اتحاد با یک گروه قومی خاص (بلوچ‌ها) جزئی‌تر از آن است که معمولاً در چنین پیمان‌های سطح بالایی گنجانده شود، مگر آنکه اهمیت استراتژیک ویژه‌ای داشته باشد که در این مورد، تمرکز اصلی بر کل جبهه شرقی و افغانستان بود. بنابراین، این گزینه احتمالاً بیانگر یکی از اقدامات بالقوه یا مورد انتظار از ایران در راستای اهداف پیمان است، نه یک ماده رسمی و مکتوب. نقد این گزینه نشان می‌دهد که طراح به دنبال تمایز بین اهداف کلی و تعهدات رسمی مکتوب بوده است.
- **شخصیت‌ها و نظرات و آثارشان:**
- **ناپلئون بناپارت: (Napoleon Bonaparte)** امپراتور فرانسه (۱۸۱۴-۱۸۱۵/۱۸۰۴)، یکی از برجسته‌ترین فرماندهان نظامی و چهره‌های سیاسی تاریخ جهان. او در تلاش برای تسلط بر اروپا و شکست بریتانیا، به دنبال متحدانی در شرق، از جمله امپراتوری عثمانی و ایران قاجاری بود. عهدنامه فین‌کنشتاین بخشی از دیپلماسی گسترده او در این راستا بود.
- **فتحعلی شاه قاجار:** دومین شاه سلسله قاجار (۱۸۳۴-۱۷۹۷). دوران سلطنت او مصادف با افزایش شدید رقابت قدرت‌های اروپایی (روسیه، بریتانیا و فرانسه) در ایران بود. او در تلاش برای مدرن‌سازی ارتش و بازپس‌گیری سرزمین‌های از دست رفته به روسیه، به اتحاد با فرانسه (فین‌کنشتاین) و سپس بریتانیا (عهدنامه مجمل و مفصل) روی آورد، اما در نهایت نتوانست از شکست‌های نظامی و تحمیل عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای جلوگیری کند.
- **عهدنامه فین‌کنشتاین: (Treaty of Finckenstein)** پیمان اتحاد نظامی و سیاسی میان فرانسه و ایران قاجار، منعقد شده در ۴ مه ۱۸۰۷. نماینده ایران میرزا محمدرضا قزوینی و نماینده فرانسه هوگ برنار ماره (Hugues-Bernard Maret) بودند، هرچند مذاکرات اصلی توسط فرستاده ویژه ناپلئون، ژنرال کلود ماتیو دو گاردان (Claude Mathieu de Gardane) که بعداً به ایران آمد، پیگیری شد.
- **ژنرال گاردان: (General Gardane)** فرستاده ویژه ناپلئون به دربار فتحعلی شاه پس از عهدنامه فین‌کنشتاین. او مأموریت داشت تا به سازماندهی و آموزش ارتش ایران کمک کند و زمینه را برای اجرای مفاد عهدنامه فراهم سازد. هیئت نظامی او شامل افسران و متخصصان مختلف بود.
- **بلوچستان:** منطقه‌ای وسیع در جنوب شرقی فلات ایران، هم‌مرز با پاکستان و افغانستان امروزی. در دوره قاجار، این منطقه دارای ساختار قبیله‌ای و اغلب خودمختار بود و موقعیت استراتژیک آن در مسیر هند اهمیت داشت.
- **هندوستان: (British India)** اشاره به متصرفات کمپانی هند شرقی بریتانیا (و بعدها حکومت مستقیم بریتانیا) در شبه‌قاره هند. حفظ هندوستان و راه‌های دسترسی به آن یکی از ستون‌های اصلی سیاست خارجی بریتانیا بود و هرگونه تهدیدی نسبت به آن، از جمله اتحاد فرانسه و ایران، با جدیت پیگیری می‌شد.
- **جنگ‌های ایران و روسیه: (Russo-Persian Wars)** دور اول (۱۸۱۳-۱۸۰۴) که منجر به عهدنامه گلستان شد و دور دوم (۱۸۲۸-۱۸۲۶) که به عهدنامه ترکمانچای انجامید. این جنگ‌ها باعث از دست رفتن بخش‌های وسیعی از سرزمین‌های قفقازی ایران شد و نیاز ایران به متحد خارجی را تشدید کرد.
- **جنگ‌های ناپلئونی: (Napoleonic Wars)** مجموعه‌ای از درگیری‌های بزرگ نظامی بین امپراتوری فرانسه و متحدانش علیه ائتلاف‌های مختلف قدرت‌های اروپایی (شامل بریتانیا، روسیه، اتریش، پروس) از حدود ۱۸۰۳ تا ۱۸۱۵. رقابت فرانسه و بریتانیا در این جنگ‌ها به مناطق دوردستی مانند ایران نیز کشیده شد.
- **دلایل عدم انتخاب گزینه‌های دیگر:**
- **گزینه ۱ (اخراج عموم انگلیسی‌ها و اتباع آن‌ها از خاک ایران):** این مورد یکی از تعهدات صریح ایران در عهدنامه فین‌کنشتاین بود. طبق ماده ۸ این پیمان، ایران متعهد می‌شد که تمام روابط سیاسی و تجاری خود را با انگلیس قطع کند و همه انگلیسی‌ها، اعم از مأموران سیاسی و کنسولی و تجار را از خاک خود اخراج نماید. این اقدام مستقیماً در راستای سیاست ضد بریتانیایی ناپلئون بود. بنابراین، این گزینه جزو مفاد پیمان بوده و صحیح نیست (به عنوان موردی که نبوده).



- گزینه ۲ (بستن سرحدات و ابواب ایران بر روی عموم عمال انگلیسی): این تعهد نیز ارتباط نزدیکی با گزینه ۱ دارد و بخشی از سیاست قطع کامل روابط با بریتانیا بود. طبق مفاد عهدنامه، ایران موظف بود از ورود هرگونه عامل یا تبعه انگلیسی به کشور جلوگیری کند. این اقدام برای جلوگیری از نفوذ سیاسی، نظامی و اطلاعاتی بریتانیا در ایران و منطقه ضروری تلقی می‌شد. بنابراین، این گزینه نیز جزو مفاد پیمان بوده و صحیح نیست.
- گزینه ۳ (وعده فرانسه مبنی بر بذل مساعی کامل برای اجبار روسیه به تخلیه ایران): این یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های ایران برای انعقاد پیمان و یکی از تعهدات کلیدی فرانسه بود. طبق ماده ۴ عهدنامه، فرانسه متعهد می‌شد تمام تلاش خود را به کار گیرد تا روسیه را وادار به تخلیه گرجستان و سرزمین‌های اشغالی ایران کند. همچنین فرانسه تمامیت ارضی ایران را تضمین می‌کرد. این وعده، پاسخ مستقیم به نیاز فوری ایران برای مقابله با تجاوز روسیه بود. لذا این گزینه قطعاً جزو مفاد پیمان بوده و انتخاب آن به عنوان گزینه صحیح (موردی که نبوده) اشتباه است.

مطالب تخصصی

- **عهدنامه فین‌کنشتاین (Treaty of Finckenstein):** پیمان اتحاد (Treaty of Alliance) بین ایران و فرانسه در دوره ناپلئونی. اهمیت آن در قرار دادن ایران در مرکز رقابت‌های جهانی فرانسه و بریتانیا ("بازی بزرگ" یا The Great Game در مراحل اولیه آن) بود.
- **دیپلماسی ناپلئونی در شرق (Napoleonic Diplomacy in the East):** تلاش‌های فرانسه برای یافتن متحدانی چون عثمانی و ایران علیه روسیه و بریتانیا. این دیپلماسی متأثر از تحولات جبهه‌های جنگ در اروپا بود (مثلاً نزدیکی ناپلئون به روسیه پس از پیمان تیلسیت، ارزش اتحاد با ایران را کاهش داد).
- **مسئله شرق (Eastern Question):** اصطلاحی که به رقابت قدرت‌های اروپایی بر سر سرنوشت امپراتوری رو به زوال عثمانی و تأثیر آن بر توازن قوا در اروپا، خاورمیانه و بالکان اشاره دارد. رقابت در ایران نیز بخشی از این مسئله گسترده‌تر بود.
- **تضمین تمامیت ارضی (Guarantee of Territorial Integrity):** وعده یک قدرت به قدرت دیگر مبنی بر دفاع از مرزهای آن کشور در مقابل تجاوز خارجی. فرانسه در فین‌کنشتاین چنین تضمینی به ایران داد، اما در عمل (پس از پیمان تیلسیت با روسیه) به آن پایبند نماند.
- **هیئت نظامی گاردان (Gardane Mission):** نمونه‌ای از تلاش برای نوسازی نظامی (Military Modernization) ایران با کمک خارجی در اوایل دوره قاجار. هدف آموزش نیروهای ایرانی بر اساس الگوهای اروپایی (ایجاد "نظام جدید") بود. این هیئت به دلیل تغییر سیاست ناپلئون و عدم حمایت کافی، موفقیت محدودی داشت.
- **پیمان تیلسیت (Treaties of Tilsit):** پیمان صلح بین فرانسه و روسیه (و همچنین فرانسه و پروس) در ژوئیه ۱۸۰۷، تنها دو ماه پس از فین‌کنشتاین. این پیمان که ناپلئون و تزار الکساندر اول را متحد کرد، عملاً تعهدات فرانسه به ایران (به ویژه در مورد مقابله با روسیه) را بی‌اثر ساخت و منجر به سرخوردگی شدید دربار ایران و شکست نهایی مأموریت گاردان شد.
- **کمپانی هند شرقی بریتانیا (British East India Company):** شرکتی تجاری که به تدریج به یک قدرت حاکم در هند تبدیل شد و منافع بریتانیا در منطقه و از جمله ایران را نمایندگی می‌کرد. نگرانی اصلی این کمپانی، امنیت هندوستان در برابر تهدیدات خارجی (از جمله روسیه یا فرانسه) بود. طریق ایران) بود.

مطالب تکمیلی :

- عهدنامه فین‌کنشتاین اگرچه در کوتاه‌مدت به دلیل پیمان تیلسیت بی‌اثر شد، اما نشان‌دهنده اهمیت ژئوپلیتیک ایران در معادلات جهانی قرن نوزدهم بود.
 - این پیمان باعث نگرانی شدید بریتانیا شد و آن‌ها را به تلاش بیشتر برای نفوذ در دربار ایران و مقابله با فرانسه واداشت، که منجر به اعزام مأموریت‌های دیپلماتیک مهمی چون مأموریت سر هارفورد جونز (Sir Harford Jones) و انعقاد عهدنامه‌های مجمل (۱۸۰۹) و مفصل (۱۸۱۲) با ایران گردید.
 - شکست دیپلماسی ایران در استفاده مؤثر از رقابت قدرت‌های اروپایی (به دلیل نوسانات سیاست خارجی این قدرت‌ها و ضعف ساختاری داخلی ایران) یکی از درس‌های مهم این دوره است. ایران میان تعهدات متناقض به فرانسه و بریتانیا گرفتار شد و در نهایت نتوانست از هیچ‌کدام بهره کافی ببرد.
 - مأموریت ژنرال گاردان، با وجود ناکامی نهایی، تأثیراتی بر آشنایی ایرانیان با فنون و علوم جدید نظامی و مهندسی اروپایی داشت.
- منابع طراحی سوال :**
۱. **تاریخ ایران دوره قاجار، نوشته عباس امانت:** به ویژه فصول مربوط به دوران فتحعلی شاه و روابط خارجی ایران. احتمالاً بخشی که به تفصیل به روابط ایران و فرانسه و عهدنامه فین‌کنشتاین می‌پردازد.
 ۲. **ایران بین دو انقلاب، نوشته پرواند آبراهامیان:** بخش‌های آغازین کتاب که به زمینه‌های اجتماعی و سیاسی دوره قاجار و تأثیرات بین‌المللی می‌پردازد.
 ۳. **تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم، نوشته عبدالرضا هوشنگ مهدوی:** فصول مربوط به روابط ایران و فرانسه در دوره ناپلئون و فتحعلی شاه، با تمرکز بر جزئیات عهدنامه‌ها.
 ۴. **تاریخ بیداری ایرانیان، نوشته ناظم‌الاسلام کرمانی:** اگرچه تمرکز اصلی بر مشروطه است، اما به زمینه‌های قبلی و روابط خارجی نیز اشاراتی دارد. (کمتر محتمل برای این سؤال خاص)
 ۵. **کتاب‌های درسی دانشگاهی معتبر در زمینه تاریخ قاجار و روابط خارجی ایران:** که معمولاً خلاصه‌ای از منابع اصلی و تحلیل‌ها را ارائه می‌دهند.
 ۶. **مقالات علمی-پژوهشی منتشر شده در مجلات معتبر تاریخی:** ممکن است طراح سؤال از مقاله‌ای تخصصی در مورد عهدنامه فین‌کنشتاین یا مأموریت گاردان استفاده کرده باشد.



مباحث نظری و روش تحقیق و منبع‌شناسی تاریخ ایران

۶۱. یک پژوهش و تحقیق علمی، با کدام مورد آغاز می‌شود؟
(۱) فرضیه (۲) پرسش (۳) مسئله (۴) مفروض
۶۲. کدام اندیشمند، واضح نظریه «وابستگی» است؟
(۱) جی. آر. التن (۲) چارلز کلاک (۳) ایمانوئل والرشترین (۴) گوندر فرانک
۶۳. مدل قانون‌گذاری قیاسی یا مدل قانون فراگیر درباره تحلیل تاریخی بیشتر وامدار کدام متفکر است؟
(۱) دونالد کمپل (۲) کارل پوپر (۳) رودولف کارنپ (۴) کارل گوستاو همپل
۶۴. معنای جغرافیاباوری در علم تاریخ کدام است؟
(۱) علم تاریخ با علم جغرافیا پیوند ذاتی دارد.
(۲) علم جغرافیا در علوم انسانی و اجتماعی اهمیت زیربنایی دارد.
(۳) جبر جغرافیایی تعیین‌کننده سرشت ویژه تاریخ تمدن‌ها، ملل و سرزمین‌هاست.
(۴) عامل جغرافیایی یکی از عوامل اصلی در رویدادهای تاریخی است.
۶۵. مراحل سیر تاریخی اقوام و فرهنگ‌ها از دیدگاه جیامباتیستا ویکو کدام است؟
(۱) الهی - طبیعی - انسانی (۲) ربانی - قهرمانی - انسانی (۳) حماسی - الهی - فلسفی (۴) اسطوره‌ای - دینی - فلسفی
۶۶. مفهوم «صالت سند» و تأکید بیش از اندازه بر اهمیت بهره‌گیری از اسناد آرشیوی در کدام یک از نحله‌ها و مکاتب مطرح شده است؟
(۱) آنال (۲) متدیک (۳) کلیومتریک (۴) نوتاریخیگری
۶۷. کدام اندیشمند در حوزه نظریه‌های روایت، صاحب‌نظر است؟
(۱) روی لادوری (۲) کالینگوود (۳) هایدن وایت (۴) ای. پی. تامپسون
۶۸. نظریه «استمرار در تاریخ» متعلق به کدام اندیشمند است؟
(۱) هگل (۲) فوکو (۳) کارل مارکس (۴) ماکس وبر
۶۹. کدام اندیشمند، در آثار خود در تاریخ تمدن مسلمانان به تاریخ فرهنگی اهتمام نظری ویژه داشت؟
(۱) ابن خلدون (۲) ابوعلی مسکویه (۳) ابن جوزی (۴) مسعودی
۷۰. نظریه «همدلی» در تاریخ‌ورزی، به کدام رویکرد در مطالعات تاریخی نزدیک است؟
(۱) فلسفی (۲) فکری (۳) جامعه‌شناختی (۴) روان‌شناختی
۷۱. کتاب «بنیادهای علم تاریخ» از کیست؟
(۱) استنفورد (۲) مکالا (۳) ویکو (۴) دریدا
۷۲. سنت تبارشناسی در تاریخ بیشتر وامدار کدام اندیشمندان است؟
(۱) نیچه و فوکو (۲) گادامر و هوسرل (۳) ریکور و دریدا (۴) گیرتز و بولتمان
۷۳. روش تطبیقی جبر بولی، بیشتر وامدار کدام اندیشمند است؟
(۱) اریک هابزیم (۲) رودولف کارنپ (۳) چارلز ریگین (۴) جان استوارت میل
۷۴. مفهوم «جهان تاریخی و انسانی» در برابر «جهان طبیعی» در کدام عصر پدید آمد؟
(۱) معاصر (۲) قرون وسطی (۳) هلنیسم و دوره باستان (۴) روشنگری
۷۵. موضوع تاریخ فلسفی از نظر هگل کدام است؟
(۱) تاریخ اندیشه‌ای (۲) تاریخ جهانی (۳) تاریخ فرهنگی (۴) تاریخ علمی
۷۶. کتاب «درباره تاریخ» از کدام مورخ و فیلسوف تاریخ است؟
(۱) اریک هابزیم (۲) الیزابت. ا. کلاک (۳) ژاک لوگوف (۴) والتر بنیامین
۷۷. کتاب «آیین نگارش تاریخ» از آن کیست؟
(۱) شارل ساماران (۲) جهانگیر قائم مقامی (۳) غلامرضا رشید یاسمی (۴) عباس اقبال آشتیانی
۷۸. کدام اندیشمند، در تاریخ تمدن مسلمانان برای نخستین بار به «تاریخ جهانی» (Universal history) اهتمام ویژه‌ای نشان داد؟
(۱) ابوعلی مسکویه (۲) ابن واضح یعقوبی (۳) محمد بن جریر طبری (۴) ابوحنیفه دینوری
۷۹. از نظر کدام دانشمند، تاریخ، دانشی بلاموضوع است؟
(۱) دکارت (۲) شوپنهاور (۳) کانت (۴) هردر
۸۰. «علم با مشاهده آغاز می‌شود نه مسئله» عقیده کدام دانشمند است؟
(۱) آلبرت اینشتین (۲) کارل پوپر (۳) چارلز داروین (۴) راجر بیکن



موضوع و منظور سؤال، تعیین نخستین گام یا نقطه آغاز منطقی و روش‌مند در فرایند انجام یک پژوهش و تحقیق علمی است. سؤال به دنبال مشخص کردن عنصری بنیادین است که جرقه آغاز هر فعالیت پژوهشی، فارغ از حوزه تخصصی آن (از جمله تاریخ)، از آن زده می‌شود و مسیر تحقیقات بعدی را تعیین می‌کند. به عبارت دیگر، این سؤال مربوط به اصول پایه‌ای روش تحقیق در علوم انسانی و اجتماعی (Methodology of Research in Humanities and Social Sciences) است که در تمامی رشته‌ها، از جمله تاریخ، کاربرد دارد.

عنوان کلی برای مفهوم سؤال می‌تواند "نقطه آغاز فرایند پژوهش علمی: اولویت مسئله تحقیق" باشد.

تحلیل و تبیین گزینه صحیح و دلایل علمی و تخصصی انتخاب آن

گزینه صحیح، یعنی مسئله (Problem)، از منظر اصول پذیرفته شده در روش تحقیق علمی در تمامی حوزه‌ها، از جمله تاریخ، نقطه آغاز یک پژوهش محسوب می‌شود. دلایل تخصصی و علمی این انتخاب بر اساس استانداردهای روز دنیا در حوزه روش‌شناسی تحقیق به شرح زیر است:

۱. نیاز به حل مشکل یا رفع ابهام: (Need to Solve a Problem or Resolve Ambiguity) اساس هر پژوهش علمی، وجود یک "مسئله" است. مسئله تحقیق (Research Problem) به وضعیتی اشاره دارد که در آن دانش ما ناقص است، پدیده‌ای ناشناخته یا نامفهوم وجود دارد، یا مشکلی عملی نیاز به راه‌حل علمی دارد. پژوهش با هدف پر کردن این خلاء دانش، توضیح پدیده ناشناخته، یا یافتن راه‌حل برای مشکل انجام می‌شود. بنابراین، تا زمانی که یک مسئله مشخص وجود نداشته باشد، انگیزه‌ای برای شروع تحقیق علمی وجود نخواهد داشت. مسئله، چرایی (Why) انجام پژوهش را مشخص می‌کند.

۲. منطق فرایند تحقیق: (Logic of Research Process) توالی منطقی مراحل تحقیق علمی با شناسایی و تعریف مسئله آغاز می‌شود. پژوهشگر ابتدا یک "مسئله" را در حوزه مورد علاقه خود (برای مثال، در تاریخ ایران دوره قاجار) تشخیص می‌دهد. سپس، این مسئله منجر به طرح "پرسش‌های تحقیقاتی" (Research Questions) مشخص می‌شود که دقیقاً ابعاد ناشناخته مسئله را مورد سؤال قرار می‌دهند. در گام‌های بعدی، ممکن است بر اساس این پرسش‌ها، "فرضیه‌هایی" (Hypotheses) (پاسخ‌های احتمالی یا توضیحات پیشنهادی) مطرح شوند که نیاز به آزمون و راستی‌آزمایی دارند. "فروض" ها (Assumptions) نیز شرایط یا پیش‌فرض‌هایی هستند که تحقیق بر آن‌ها بنا می‌شود و بخشی از چارچوب پژوهش را تشکیل می‌دهند، اما خود نقطه آغاز شناسایی موضوع تحقیق نیستند. پس توالی منطقی از "مسئله" آغاز می‌شود.

۳. مسئله به عنوان محرک اصلی: (Problem as the Main Driver) مسئله تحقیق است که جهت‌گیری کلی پژوهش را تعیین می‌کند، ضرورت انجام آن را توجیه می‌کند، و مرزها و محدوده تحقیق را مشخص می‌سازد. بدون تعریف دقیق مسئله، پژوهش سرگردان خواهد بود و دستیابی به نتایج معتبر و ارزشمند دشوار یا ناممکن می‌شود. در حوزه تاریخ، مسئله تحقیق ممکن است مربوط به تبیین یک رخداد تاریخی نامفهوم، بازنگری در تفسیری رایج از یک پدیده، کشف ابعاد ناشناخته یک شخصیت یا جنبش، یا بررسی تأثیر یک عامل خاص بر سیر تحولات تاریخی باشد. تشخیص اینکه "چه چیزی را نمی‌دانیم" یا "چه چیزی نیاز به توضیح بیشتر دارد" همان شناسایی مسئله است.

تجزیه و تحلیل، تفسیر، نقد و بررسی گزینه صحیح (مسئله):

- **تجزیه و تحلیل:** مسئله تحقیق، صرفاً یک کنجکاو مبهم نیست، بلکه بیانی دقیق و روشن از وضعیت نامطلوب (خلاء دانش، عدم قطعیت، مشکل) است که پژوهشگر قصد دارد با انجام تحقیق آن را بهبود بخشد یا حل کند. یک مسئله تحقیق خوب باید دارای ویژگی‌هایی باشد: واضح و مشخص (Clear and Specific)، قابل پژوهش (Researchable)، مرتبط با حوزه تخصصی (Relevant)، و مهم و بالارزش (Significant).
- **تفسیر:** شناسایی مسئله تحقیق فرآیندی است که اغلب نیازمند مطالعه عمیق پیشینه تحقیق (Literature Review)، مشاهده دقیق، و تفکر انتقادی (Critical Thinking) است. گاهی مسئله در ابتدا به صورت یک ایده کلی یا ابهام مطرح می‌شود و پژوهشگر با بررسی بیشتر، آن را دقیق‌تر و ملموس‌تر می‌سازد. در تاریخ، این فرآیند شامل مطالعه منابع اولیه (Primary Sources) و ثانویه (Secondary Sources)، مقایسه روایت‌های مختلف، و شناسایی تناقضات یا موضوعات ناگشوده است.

• **نقد و بررسی:** هرچند مسئله نقطه آغاز است، اما صرف وجود یک مسئله کافی نیست. بیان مسئله (Problem Statement) به شکلی دقیق و قابل فهم برای دیگران، گامی حیاتی پس از شناسایی اولیه است. یک بیان مسئله ضعیف می‌تواند منجر به پژوهشی پراکنده و بدون تمرکز شود. همچنین، قابلیت پژوهش مسئله (Feasibility) اهمیت دارد؛ آیا امکان جمع‌آوری داده‌ها یا شواهد لازم برای بررسی مسئله وجود دارد؟ در تاریخ، این به معنای دسترسی به اسناد، مدارک، یا منابع دیگری است که بتوانند به حل مسئله کمک کنند. مسئله باید چالشی برانگیزنده باشد، اما نه آنقدر وسیع که غیرقابل مدیریت شود و نه آنقدر محدود که ارزش پژوهشی نداشته باشد.

شخصیت‌ها و نظرات و آثارشان

این سؤال مستقیماً به مباحث تخصصی تاریخ ایران از قاجار تا انقلاب اسلامی، شخصیت‌ها، حکومت‌ها، مکان‌ها، وقایع یا آثار خاص آن دوره نمی‌پردازد، بلکه در خصوص روش‌شناسی پژوهش علمی است که ابزاری برای مطالعه هر دوره تاریخی، از جمله دوره قاجار تا انقلاب اسلامی، فراهم می‌آورد. بنابراین، در این بخش، توضیحات مربوط به خود مفاهیم روش تحقیق ارائه می‌شود و ارتباط آن‌ها با حوزه تاریخ به طور کلی بیان می‌گردد:



- **پژوهش و تحقیق علمی: (Scientific Research)** فرآیندی نظام‌مند، قاعده‌مند و هدفمند برای کشف حقایق جدید، بازبینی یافته‌های پیشین، حل مسائل یا تدوین نظریه‌ها. پژوهش علمی مبتنی بر شواهد (Evidence-based) و روش‌های قابل تکرار و راستی‌آزمایی است. در حوزه تاریخ، پژوهش علمی به معنای بررسی انتقادی منابع تاریخی، تحلیل علل و پیامدهای وقایع، و ارائه تفسیری معتبر از گذشته است.
 - **فرضیه: (Hypothesis)** یک گزاره خبری (Statement) قابل آزمون که رابطه بین دو یا چند متغیر را پیش‌بینی می‌کند یا توضیحی احتمالی برای یک پدیده ارائه می‌دهد. فرضیه معمولاً بر اساس دانش قبلی و چارچوب نظری پژوهش تدوین می‌شود و در طول تحقیق، صحت یا سقم آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. در تاریخ، فرضیه می‌تواند به عنوان یک پاسخ احتمالی به پرسش تحقیق مطرح شود؛ مثلاً، "علت اصلی شکست جنبش فداییان اسلام، حمایت نکردن نیروهای ملی‌گرا از آن بود" یک فرضیه قابل بررسی است.
 - **پرسش: (Question)** بیانی سؤالی از آنچه پژوهشگر در پی یافتن آن است. پرسش‌های تحقیق از مسئله تحقیق ناشی می‌شوند و مسیر جمع‌آوری اطلاعات را هدایت می‌کنند. پرسش‌ها باید واضح، مشخص و قابل پاسخگویی باشند. در تاریخ، پرسش‌ها می‌توانند از نوع توصیفی (چه اتفاقی افتاد؟)، علی (چرا اتفاق افتاد؟)، یا تفسیری (معنی و مفهوم این رویداد چیست؟) باشند؛ مثلاً "دلایل اصلی ترور رزم‌آرا چه بود؟" یک پرسش تحقیقاتی تاریخی است.
 - **مسئله: (Problem)** همانطور که شرح داده شد، وضعیت نیازمند بررسی یا حل که نقطه آغاز پژوهش است. تشخیص خلاء دانش یا نیاز به تبیین در یک حوزه. در تاریخ، مسئله می‌تواند ناشی از تناقض در منابع، عدم تبیین کافی برای یک رویداد مهم، یا نیاز به بررسی یک موضوع از منظری جدید باشد.
 - **مفروض: (Assumption)** چیزی که پژوهشگر بدون اثبات یا آزمون، آن را درست می‌پذیرد و تحقیق خود را بر پایه آن بنا می‌کند. مفروضات بخشی از بنیان نظری یا روش‌شناختی پژوهش را تشکیل می‌دهند. در تاریخ، ممکن است یک پژوهشگر فرض کند که اسناد مورد استفاده او معتبر هستند، یا اینکه منابع تاریخی اولیه تا حدودی بازتاب‌دهنده واقعیت هستند.
- دلایل عدم انتخاب گزینه‌های دیگر:**
- **عدم انتخاب گزینه ۱: فرضیه:**
 - **دلایل علمی و تخصصی:** فرضیه یک پاسخ یا توضیح احتمالی برای یک پدیده یا رابطه است که بر اساس مسئله و پرسش تحقیق تدوین می‌شود. شما نمی‌توانید پاسخی احتمالی بدهید یا توضیحی پیشنهاد کنید، در حالی که هنوز مسئله‌ای را شناسایی نکرده‌اید یا پرسشی را مطرح ننموده‌اید. فرضیه گامی پس از تعریف مسئله و صورت‌بندی پرسش است. بنابراین، فرضیه نمی‌تواند نقطه آغاز منطقی پژوهش علمی باشد.
 - **تحلیل، تفسیر و نقد:** آغاز پژوهش با فرضیه، مانند تلاش برای یافتن کلید بدون اینکه بدانیم قفل کجاست و چه چیزی را می‌خواهیم باز کنیم، یا ارائه راه‌حل بدون شناخت مشکل است. این رویکرد، فرآیند تحقیق را معکوس می‌کند و از چارچوب منطقی و نظام‌مند پژوهش علمی خارج است.
 - **عدم انتخاب گزینه ۲: پرسش:**
 - **دلایل علمی و تخصصی:** هرچند پرسش تحقیق گامی بسیار اولیه و حیاتی است و پژوهشگر بلافاصله پس از شناسایی مسئله به سمت تدوین پرسش‌ها حرکت می‌کند، اما پرسش‌ها در واقع بیانگر و صورت‌بخشنده مسئله هستند، نه خود نقطه آغازین. پرسش از یک ابهام، خلاء دانش، یا مشکل (مسئله) ناشی می‌شود. یعنی ابتدا یک مسئله وجود دارد (چیزی را نمی‌دانیم یا نمی‌فهمیم)، سپس برای روشن شدن آن، پرسش‌هایی مطرح می‌کنیم. بنابراین، مسئله مقدم بر پرسش است.
 - **تحلیل، تفسیر و نقد:** برخی کتاب‌های روش تحقیق ممکن است مراحل را با طرح پرسش آغاز کنند، اما این به دلیل ارتباط بسیار نزدیک پرسش با مسئله و برای سادگی بیان است. در عمق تحلیل روش‌شناختی، تشخیص وجود یک "مسئله" است که لزوم طرح "پرسش" را ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر، پرسش ابزار صورت‌بندی مسئله است.
 - **عدم انتخاب گزینه ۴: مفروض:**
 - **دلایل علمی و تخصصی:** مفروضات، بنیان‌ها یا شرایطی هستند که تحقیق بر آن‌ها استوار است. مثلاً در یک پژوهش تاریخی، ممکن است فرض شود که اسناد دیوان سالاری قاجار تا حدی واقعیت اداری آن دوره را منعکس می‌کنند. این مفروضات به پژوهشگر کمک می‌کنند تا در یک چارچوب مشخص کار کند، اما خودشان دلیل یا نقطه شروع انجام تحقیق نیستند. ما فرض را می‌پذیریم تا بتوانیم مسئله‌ای را بررسی کنیم یا به پرسشی پاسخ دهیم، نه اینکه فرض، خود مسئله باشد. مفروضات بخشی از طراحی تحقیق هستند که پس از تعریف مسئله و شاید پرسش‌ها مطرح می‌شوند.
 - **تحلیل، تفسیر و نقد:** آغاز پژوهش با مفروض، مانند این است که قبل از تصمیم‌گیری برای ساختن خانه، در مورد جنس مصالح آن تصمیم بگیریم. مفروضات ابزار و چارچوبی برای حل مسئله هستند، نه خود مسئله‌ای که قرار است حل شود.
- اصطلاحات تخصصی**
- **روش تحقیق: (Research Methodology)** مجموعه اصول، قواعد، و فوونی که پژوهشگر برای انجام یک تحقیق علمی به کار می‌برد. این شامل انتخاب موضوع، تعریف مسئله، تدوین پرسش و فرضیه، انتخاب روش گردآوری داده‌ها، تحلیل داده‌ها، و گزارش‌نویسی است.



- **مسئله تحقیق: (Research Problem)** همانطور که قبلاً شرح داده شد، خلاء دانش، ابهام، یا مشکلی که پژوهشگر قصد بررسی و حل آن را دارد. باید مشخص، قابل پژوهش و مهم باشد.
 - **بیان مسئله: (Problem Statement)** توصیف کتبی و رسمی مسئله تحقیق به صورت واضح و مختصر. شامل اشاره به وضعیت موجود، وضعیت مطلوب، و خلاء یا مشکلی که مانع رسیدن از وضعیت موجود به مطلوب است.
 - **پرسش تحقیق: (Research Question)** همانطور که قبلاً شرح داده شد، سؤال یا سؤالاتی که مستقیماً از مسئله تحقیق ناشی می‌شوند و هدف اصلی پژوهش، یافتن پاسخ آن‌ها است.
 - **فرضیه تحقیق: (Research Hypothesis)** همانطور که قبلاً شرح داده شد، گزاره قابل آزمونی که پاسخی احتمالی به پرسش تحقیق ارائه می‌دهد یا رابطه بین متغیرها را پیش‌بینی می‌کند.
 - **مفروضات تحقیق: (Research Assumptions)** باورها یا شرایطی که بدون اثبات، به عنوان درست در نظر گرفته می‌شوند و زیربنای تحقیق را تشکیل می‌دهند.
 - **پیشینه تحقیق: (Literature Review)** مرور و تحلیل انتقادی مطالعات و تحقیقات قبلی انجام شده در زمینه موضوع تحقیق. این گام به پژوهشگر کمک می‌کند تا مسئله تحقیق خود را دقیق‌تر شناسایی کند، از تکرار کارهای قبلی بپرهیزد و چارچوب نظری مناسبی برای تحقیق خود بیابد. (اغلب پیش از تعریف نهایی مسئله انجام می‌شود و به شناسایی آن کمک می‌کند).
 - **هدف تحقیق: (Research Objective)** آنچه پژوهشگر قصد دارد از انجام تحقیق به دست آورد. اهداف معمولاً به صورت افعال رفتاری (مانند توصیف، تبیین، مقایسه، بررسی) بیان می‌شوند و از پرسش‌های تحقیق نشأت می‌گیرند.
- نکته: این اصطلاحات عمومی روش تحقیق هستند و کاربرد آن‌ها در حوزه تاریخ، مستلزم انطباق با ویژگی‌های خاص منابع و روش‌های تاریخ‌نگاری است. برای مثال، "داده‌ها" در تاریخ ممکن است اسناد آرشیوی، خاطرات، روزنامه‌ها، یا آثار باستانی باشند.

مطالب تکمیلی:

اهمیت شناسایی و تعریف دقیق مسئله تحقیق در حوزه تاریخ بیش از پیش است. ماهیت تفسیری علم تاریخ، وجود منابع متعدد و گاه متناقض، و دسترسی محدود به برخی شواهد، همگی بر ضرورت داشتن یک مسئله کاملاً مشخص و قابل پژوهش تأکید دارند. یک تاریخ‌دان برای آغاز پژوهش در زمینه تاریخ ایران از قاجار تا انقلاب اسلامی، ابتدا باید یک ابهام، یک سؤال بی‌پاسخ، یک تفسیر نیازمند بازنگری، یا یک موضوع ناگفته را در این دوره شناسایی کند. مثلاً ممکن است بپرسد: "چه عواملی باعث شد تا جنبش مشروطه با وجود دستاوردهای اولیه، در دستیابی به اهداف بلندمدت خود ناکام بماند؟" یا "نقش خردفرهنگ‌های شهری در شکل‌گیری گفتمان‌های سیاسی پیش از انقلاب اسلامی چگونه بود؟" یا "چرا ایده ملی‌گرایی در دوره پهلوی اول چنین شکلی به خود گرفت؟" این‌ها همگی نمونه‌هایی از "مسئله"های تحقیقاتی در حوزه مورد نظر سؤال شما هستند که نقطه آغاز پژوهش‌های متعدد خواهند بود. بدون این مسئله، صرفاً مطالعه عمومی تاریخ دوره قاجار تا انقلاب اسلامی، هرچند مفید باشد، اما یک "پژوهش علمی" به معنای دقیق کلمه محسوب نمی‌شود.

۶۲. گزینه ۴)

تحلیل و تفسیر گزینه صحیح (گوندل فرانک):

گوندل فرانک (André Gunder Frank)، اقتصاددان و جامعه‌شناس آلمانی-آمریکایی، یکی از برجسته‌ترین و تأثیرگذارترین نظریه‌پردازان در شکل‌گیری و ترویج «نظریه وابستگی» (Dependency Theory) در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی است. نظریه وابستگی در واکنش به «نظریه نوسازی» (Modernization Theory) که ریشه مشکلات کشورهای توسعه‌نیافته را در عوامل درونی آن‌ها (مانند فرهنگ سنتی، فقدان سرمایه، ساختارهای اجتماعی عقب‌مانده) می‌دانست، شکل گرفت. فرانک و دیگر نظریه‌پردازان وابستگی، تمرکز را از عوامل داخلی به عوامل خارجی و ساختارهای جهانی منتقل کردند و استدلال نمودند که توسعه‌نیافتگی در کشورهای پیرامونی (Periphery) نه ناشی از عدم ادغام در نظام سرمایه‌داری جهانی، بلکه نتیجه نحوه ادغام آن‌ها در این نظام و روابط استثماری با کشورهای مرکزی (Core) است.

از دلایل اصلی اعتبار فرانک به عنوان واضع یا دست‌کم یکی از واضعان اصلی نظریه وابستگی، ارائه مفهوم کلیدی «توسعه توسعه‌نیافتگی» (Development of Underdevelopment) توسط اوست. فرانک در کارهای خود، به ویژه در مقاله مشهورش با همین نام و کتاب «کاپیتالیسم و توسعه‌نیافتگی در آمریکای لاتین» (Capitalism and Underdevelopment in Latin America)، نشان داد که چگونه ادغام تاریخی مناطق پیرامونی در اقتصاد جهانی سرمایه‌داری، به جای ایجاد توسعه، منجر به توسعه‌نیافتگی مزمن آن‌ها شده است. او با مطالعه تاریخ آمریکای لاتین، استدلال کرد که روابط تجاری، مالی و سیاسی بین مرکز و پیرامون، ساختارهایی را در کشورهای پیرامونی ایجاد کرده است که مانع توسعه مستقل و خودکفا می‌شود و منابع آن‌ها را به سمت مرکز هدایت می‌کند.

از منظر مباحث نظری و روش تحقیق در تاریخ، کار فرانک نمونه‌ای از کاربرد رویکردهای کلان و ساختاری برای تحلیل پدیده‌های تاریخی (در اینجا، پدیده توسعه‌نیافتگی در جهان سوم) است. او از روش تحلیل تاریخی-اقتصادی برای نشان دادن ریشه‌های تاریخی وابستگی و پیوندهای آن با گسترش نظام سرمایه‌داری جهانی استفاده کرد. تأکید بر روابط تاریخی طولانی‌مدت بین مناطق مختلف جهان و بررسی تأثیر این روابط بر مسیرهای توسعه متفاوت، از جنبه‌های مهم روش‌شناختی کار او محسوب می‌شود که با رویکردهای رایج در تاریخ اقتصادی و جهانی همپوشانی دارد.



نقد و بررسی کار فرانک نیز بخشی از فضای علمی پیرامون نظریه وابستگی است. برخی منتقدان، رویکرد او را بیش از حد متمرکز بر عوامل خارجی و نادیده‌انگارنده نقش عوامل داخلی در توسعه/توسعه‌نیافتگی می‌دانند. همچنین، تحلیل‌های او گاه به جبرگرایی اقتصادی متهم شده است. با این حال، تأثیرگذاری عظیم کارهای فرانک در تغییر پارادایم فکری درباره توسعه و توسعه‌نیافتگی و ایجاد یک جریان انتقادی قوی در این زمینه غیرقابل انکار است و او را به عنوان یکی از بنیان‌گذاران اصلی این نظریه تثبیت می‌کند.

دلایل عدم انتخاب گزینه‌های دیگر:

دلایل عدم انتخاب گزینه‌های دیگر بر اساس همان روش‌های علمی و تاریخی به شرح زیر است:

• گزینه ۱) جی. آر. التن (G. R. Elton):

- جی. آر. التن (Geoffrey Rudolph Elton)، مورخ برجسته بریتانیایی (۱۹۹۴-۱۹۲۱ میلادی)، متخصص تاریخ تودور انگلستان، به ویژه دوران سلطنت هنری هشتم بود. او به خاطر مطالعاتش درباره تاریخ اداری و پارلمانی انگلستان و ارائه نظریه «انقلاب تودوری در حکومت» (Tudor Revolution in Government) شهرت دارد.
- دلایل عدم انتخاب: زمینه تخصصی التن به کلی از مباحث نظری توسعه، اقتصاد جهانی و روابط مرکز و پیرامون که موضوع نظریه وابستگی است، متفاوت است. کار او متمرکز بر تاریخ سیاسی و اداری یک کشور خاص (انگلستان) در یک دوره تاریخی مشخص (قرن ۱۶ میلادی) است و هیچ ارتباطی با نظریه وابستگی ندارد. بنابراین، از منظر تاریخ (مباحث نظری و روش تحقیق و منبع‌شناسی)، التن در حیطه کاملاً متفاوتی از تاریخ فعالیت می‌کرده است.

• گزینه ۲) چارلز کلارک (Charles Clarke):

- بررسی‌ها نشان می‌دهد که نام «چارلز کلارک» با یک نظریه‌پرداز برجسته یا بنیان‌گذار اصلی نظریه وابستگی مرتبط نیست. افراد متعددی با این نام در حوزه‌های مختلف (مانند سیاستمداران، جامعه‌شناسان یا اقتصاددانان در زمینه‌های دیگر) وجود داشته‌اند، اما هیچ‌کدام به عنوان واضع نظریه وابستگی شناخته نمی‌شوند.
- دلایل عدم انتخاب: عدم وجود شواهد علمی و تاریخی معتبر مبنی بر اینکه فردی با نام چارلز کلارک نقش بنیان‌گذاری یا کلیدی در توسعه نظریه وابستگی ایفا کرده باشد. در منابع اصلی و معتبر مربوط به تاریخ نظریه‌های توسعه و اقتصاد جهانی، نام چارلز کلارک در کنار بنیان‌گذاران اصلی نظریه وابستگی (مانند فرانک، پریش، فورتادو، دوس سانتوس یا امین) ذکر نمی‌شود.

• گزینه ۳) امانوئل والرشتین (Immanuel Wallerstein):

- امانوئل والرشتین (Immanuel Wallerstein)، جامعه‌شناس و مورخ آمریکایی (۲۰۱۹-۱۹۳۰ میلادی)، به خاطر توسعه «نظریه نظام جهانی» (World-System Theory) شهرت فراوان دارد. نظریه نظام جهانی والرشتین به شدت تحت تأثیر نظریه وابستگی قرار دارد و بسیاری از مفاهیم آن (مانند مرکز، پیرامون، نیمه‌پیرامون) را بسط می‌دهد و در چارچوبی تاریخی-اجتماعی گسترده‌تر، تحول نظام سرمایه‌داری جهانی را از قرن ۱۶ میلادی به بعد تحلیل می‌کند.
- دلایل عدم انتخاب به عنوان واضع نظریه وابستگی: اگرچه والرشتین از مهم‌ترین نظریه‌پردازان ساختارگرا در تحلیل اقتصاد جهانی است و کار او بر مبانی نظریه وابستگی استوار است، اما او بنیان‌گذار نظریه وابستگی به معنای کلاسیک آن که در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی در آمریکای لاتین شکل گرفت و توسط کسانی مانند فرانک، پریش و فورتادو ترویج شد، نیست. نظریه وابستگی به طور کلی مقدم بر نظریه نظام جهانی والرشتین محسوب می‌شود. والرشتین نظریه‌پرداز نظام جهانی است که یک گام تئوریک فراتر از وابستگی کلاسیک به حساب می‌آید، نه واضع خود نظریه وابستگی. سؤال به طور خاص درباره واضع «نظریه وابستگی» می‌پرسد و در میان گزینه‌ها، گوندتر فرانک با این عنوان انطباق بیشتری دارد.

مطالب تخصصی

- **نظریه وابستگی (Dependency Theory):** یک رویکرد نظری در حوزه مطالعات توسعه، اقتصاد سیاسی و روابط بین‌الملل که معتقد است توسعه‌نیافتگی کشورهای پیرامونی ناشی از نحوه ادغام آن‌ها در نظام سرمایه‌داری جهانی و روابط نابرابر و استثمار با کشورهای مرکزی است. این نظریه بر تحلیل ساختارهای جهانی، روابط تاریخی و جریان نابرابر منابع و ارزش از پیرامون به مرکز تمرکز دارد. (شرح کامل‌تر در بخش تحلیل گزینه صحیح ارائه شد).

- **مباحث نظری در تاریخ (Theoretical Debates in History):** اشاره به کاربرد نظریه‌ها و چارچوب‌های مفهومی برگرفته از علوم اجتماعی (مانند جامعه‌شناسی، اقتصاد، علوم سیاسی) در تحلیل پدیده‌های تاریخی. این مباحث به مورخان کمک می‌کند تا فراتر از روایت صرف وقایع، به دنبال تبیین، شناسایی الگوها و فهم عمیق‌تر ساختارها و فرآیندهای تاریخی باشند. نظریه وابستگی یکی از این چارچوب‌های نظری است که می‌تواند برای تحلیل تاریخ اقتصادی، استعمار، پساستعمار و روابط بین‌الملل در ادوار مختلف (از جمله در زمینه تاریخ اسلام، مثلاً تحلیل روابط اقتصادی میان مناطق مختلف جهان اسلام یا روابط اقتصادی میان جهان اسلام و اروپا در دوره‌های مختلف) به کار رود.

- **روش تحقیق در تاریخ (Historical Research Methods):** مجموعه اصول و فوونی که مورخان برای جمع‌آوری، نقد، تحلیل و تفسیر منابع تاریخی به منظور بازسازی و تبیین گذشته به کار می‌برند. استفاده از نظریه‌هایی مانند وابستگی می‌تواند بر روش تحقیق تأثیر بگذارد؛ مثلاً با هدایت مورخ به



سوی جستجوی منابعی که اطلاعاتی درباره روابط تجاری، ساختارهای اقتصادی، جریان سرمایه، یا تأثیر سیاست‌های قدرت‌های جهانی بر مناطق مورد مطالعه ارائه می‌دهند.

- **منبع‌شناسی در تاریخ اسلام: (Source Studies in Islamic History)** شناخت انواع منابع تاریخی مربوط به تمدن و جوامع اسلامی (مانند وقایع‌نامه‌ها، متون جغرافیایی، سفرنامه‌ها، اسناد اداری و مالی، متون فقهی، ادبیات، سکه‌ها، آثار باستانی) و آگاهی از ارزش، محدودیت‌ها، صحت و اعتبار هر نوع منبع برای پاسخگویی به پرسش‌های تاریخی. در صورت استفاده از نظریه‌های مانند وابستگی برای تحلیل جنبه‌هایی از تاریخ اسلام، مورخ باید منابعی را شناسایی کند که امکان بررسی روابط اقتصادی، ساختارهای اجتماعی-اقتصادی و تعاملات منطقه‌ای یا جهانی در بستر تاریخی اسلام را فراهم آورند.
- **مرکز (Core) و پیرامون (Periphery)** مفاهیم محوری در نظریه وابستگی و نظام جهانی. مرکز به مجموعه کشورهای پیشرفته، صنعتی و سرمایه‌دار گفته می‌شود که از منابع و کار کشورهای پیرامونی بهره‌کشی می‌کنند. پیرامون به کشورهای کمتر توسعه‌یافته‌ای گفته می‌شود که عمدتاً تولیدکننده مواد خام یا محصولات کشاورزی با ارزش افزوده پایین هستند و در رابطه وابستگی اقتصادی با مرکز قرار دارند.
- **توسعه توسعه‌نیافتگی: (Development of Underdevelopment)** این اصطلاح که توسط گوندر فرانک رایج شد، به این ایده اشاره دارد که توسعه‌نیافتگی وضعیتی اولیه یا طبیعی نیست، بلکه فرآیندی است که به طور فعال توسط ادغام مناطق در نظام سرمایه‌داری جهانی و به دلیل روابط استثمار با مناطق مرکزی ایجاد شده و تداوم می‌یابد.
- **نظریه نظام جهانی: (World-System Theory)** چارچوبی نظری که توسط امانوئل والرشترین توسعه داده شد و بر تحلیل نظام اجتماعی کلان‌مقیاس تاریخی، یعنی نظام جهانی، به عنوان واحد اصلی تحلیل تمرکز دارد. این نظریه تحولات تاریخی نظام سرمایه‌داری جهانی و روابط بین مناطق مرکزی، نیمه‌پیرامونی و پیرامونی را در طول زمان بررسی می‌کند و از مفاهیم نظریه وابستگی بهره می‌برد.
- **شخصیت‌ها و نظرات و آثارشان**
- **آثار گوندر فرانک:** به ویژه کتاب «کاپیتالیسم و توسعه‌نیافتگی در آمریکای لاتین» (Capitalism and Underdevelopment in Latin America) و مقاله «توسعه توسعه‌نیافتگی»، که از متون کلاسیک و بنیان‌گذار در نظریه وابستگی محسوب می‌شوند.
- **آثار جی. آر. آلتن:** مانند «انقلاب تودوری در حکومت» (The Tudor Revolution in Government)، که در حوزه تاریخ انگلستان سده ۱۶ است و به موضوع سؤال ارتباطی ندارد.
- **آثار امانوئل والرشترین:** به ویژه مجموعه چهار جلدی «نظام جهانی مدرن» (The Modern World-System)، که متن اصلی نظریه نظام جهانی اوست و اگرچه به وابستگی مرتبط است، اما نماینده خود این نظریه در مرحله بنیان‌گذاری نیست.

مطالب تکمیلی:

نظریه وابستگی به عنوان یک واکنش فکری و سیاسی به شرایط اقتصادی و اجتماعی کشورهای جهان سوم پس از جنگ جهانی دوم ظهور کرد. ریشه‌های اولیه این نظریه را می‌توان در کارهای اقتصاددانان کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای آمریکای لاتین (UNECLAC/CEPAL) در دهه ۱۹۵۰، مانند راول پریش (Raúl Prebisch) و سلسو فورتادو (Celso Furtado)، جستجو کرد که بر «زوال شرایط مبادله» (Declining Terms of Trade) برای کشورهای صادرکننده مواد خام تأکید داشتند. با این حال، گوندر فرانک و تئوتونیو دوس سانتوس (Theotonio Dos Santos) از جمله کسانی بودند که در دهه ۱۹۶۰ این ایده‌ها را بسط دادند و چارچوب نظری منسجم‌تری را تحت عنوان «نظریه وابستگی» ارائه دادند. دوس سانتوس وابستگی را به عنوان وضعیتی تعریف کرد که در آن اقتصاد برخی کشورها مشروط به توسعه و گسترش اقتصاد کشورهای دیگر است و این رابطه، پیامدهای منفی خاصی برای توسعه آن کشورها دارد. بنابراین، در حالی که فرانک یک بنیان‌گذار کلیدی و مبلغ اصلی این نظریه است، او تنها فرد در این زمینه نبوده و کار او بخشی از یک جریان فکری وسیع‌تر محسوب می‌شود.

گزینه ۴). ۶۳

مدل قانون‌گذاری قیاسی در تحلیل تاریخی

شرح موضوع و منظور سؤال:

سؤال به بررسی یکی از مدل‌های نظری مهم در فلسفه علم و روش‌شناسی تاریخی، یعنی «مدل قانون‌گذاری قیاسی» یا «مدل قانون فراگیر» (Deductive-Nomological Model) می‌پردازد که در تحلیل پدیده‌های تاریخی و علمی کاربرد دارد. این مدل به دنبال توضیح پدیده‌ها از طریق قوانین کلی و شرایط خاص است. سؤال از ما می‌خواهد متفکری را که بیشترین تأثیر را در تدوین و بسط این مدل داشته است، از میان چهار گزینه (دونالد کمپل، کارل پوپر، رودولف کارنپ، کارل گوستاو همپل) شناسایی کنیم. این موضوع در حوزه مباحث نظری و روش تحقیق تاریخی، به‌ویژه در تاریخ اسلام، اهمیت دارد، زیرا روش‌های علمی و منطقی در تحلیل منابع تاریخی و تدوین روایت‌های معتبر تاریخی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

گزینه صحیح: ۴) کارل گوستاو همپل

تحلیل و تشریح گزینه صحیح (کارل گوستاو همپل)

دلایل تخصصی انتخاب گزینه صحیح

کارل گوستاو همپل (۱۹۰۵-۱۹۹۷) (Carl Gustav Hempel)، فیلسوف آلمانی برجسته در فلسفه علم و از چهره‌های کلیدی اثبات‌گرایی منطقی (Logical Positivism)، به دلیل تدوین و بسط مدل قانون‌گذاری قیاسی (Deductive-Nomological Model) یا مدل قانون فراگیر شناخته



می‌شود. این مدل، که در دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ میلادی به اوج تأثیرگذاری خود رسید، چارچوبی برای توضیح علمی پدیده‌ها ارائه می‌دهد که بر دو رکن اصلی استوار است:

۱. **قوانین کلی: (General Laws)** قواعد یا قوانین جهان‌شمول که رابطه‌ای ثابت بین پدیده‌ها را بیان می‌کنند.
 ۲. **شرایط اولیه: (Initial Conditions)** داده‌ها یا شرایط خاصی که در یک موقعیت مشخص وجود دارند.
- بر اساس این مدل، یک پدیده (Explanandum) زمانی به صورت علمی توضیح داده می‌شود که بتوان آن را از طریق استنتاج منطقی (Deduction) از قوانین کلی و شرایط اولیه نتیجه‌گیری کرد. همپل این مدل را در مقاله معروف خود در سال ۱۹۴۲ با عنوان «کارکرد قوانین کلی در تاریخ» (The Function of General Laws in History) معرفی کرد و استدلال نمود که تحلیل تاریخی نیز می‌تواند از این چارچوب علمی بهره‌بردار شود، مشروط بر اینکه قوانین کلی تاریخی شناسایی شوند.
- در حوزه تاریخ، به‌ویژه تاریخ اسلام، این مدل برای تحلیل وقایع و تبیین علل و نتایج پدیده‌ها (مانند گسترش اسلام، تشکیل خلافت‌ها، یا تحولات فرهنگی) کاربرد دارد. برای مثال، در بررسی علل سقوط امویان، می‌توان از قوانین کلی مانند «نبود انسجام سیاسی در ساختارهای حکومتی منجر به فروپاشی می‌شود» و شرایط اولیه مانند «نارضایتی‌های قبیله‌ای در شام» استفاده کرد تا به صورت منطقی نتیجه‌گیری شود.

تجزیه و تحلیل مدل قانون‌گذاری قیاسی

مدل همپل بر این فرض استوار است که توضیح علمی باید به صورت پیش‌بینی‌پذیر و قابل تکرار باشد. این مدل در تاریخ‌نگاری به ما کمک می‌کند تا به جای روایت صرف وقایع، به تبیین علل آن‌ها بپردازیم. برای مثال، در منبع‌شناسی تاریخ اسلام، این مدل می‌تواند در تحلیل متون تاریخی مانند «تاریخ الطبری» یا «الکامل فی التاریخ» ابن اثیر به کار رود تا روابط علی بین وقایع (مانند نقش جنگ‌های داخلی در تضعیف خلافت عباسی) مشخص شود.

نقد و بررسی مدل همپل

مزایا:

- **دقت علمی:** این مدل با تأکید بر منطق و قوانین کلی، به تحلیل‌های تاریخی ساختاری منظم و قابل بررسی می‌بخشد.
- **کاربرد در تاریخ اسلام:** در بررسی منابع تاریخی مانند سیره نبوی یا متون حدیثی، این مدل می‌تواند به شناسایی الگوهای رفتاری (مانند نقش وحدت قبیله‌ای در پیروزی‌های اولیه اسلام) کمک کند. معایب:
- **محدودیت در تاریخ:** تاریخ به دلیل ماهیت منحصر به فرد وقایع، کمتر به قوانین کلی جهان‌شمول وصل می‌شود. بسیاری از مورخان معتقدند که وقایع تاریخی مانند فتح مکه یا قیام کربلا به شرایط خاص و غیر تکراری وابسته‌اند.
- **نقدهای معاصر:** متفکرانی مانند ویلیام درای (William Dray) استدلال کرده‌اند که تاریخ بیشتر به «درک» (Understanding) نیاز دارد تا «توضیح» (Explanation) علمی.

شخصیت و آثار همپل

- همپل، که در دانشگاه‌های گوتینگن، برلین و هایدلبرگ تحصیل کرد، تحت تأثیر دیوید هیوم و برنامه منطقی دیوید هیلبرت قرار داشت. آثار کلیدی او شامل:
 - **(۱۹۶۵) Aspects of Scientific Explanation:** شرح جامع مدل قانون‌گذاری قیاسی.
 - **(۱۹۶۶) Philosophy of Natural Science:** بررسی روش‌های علمی در تحلیل پدیده‌ها. این آثار در روش‌شناسی تاریخی، به‌ویژه در بررسی منابع تاریخ اسلام، به عنوان چارچوبی برای تحلیل علمی متون و وقایع مورد استفاده قرار می‌گیرند.

دلایل عدم انتخاب سایر گزینه‌ها

گزینه ۱) دونالد کمپل

دونالد توماس کمپل (۱۹۱۶-۱۹۹۶)، روان‌شناس و نظریه‌پرداز علوم اجتماعی آمریکایی، بیشتر به دلیل نظریه‌هایش در روش‌شناسی تحقیق و تکامل معرفت (Evolutionary Epistemology) شناخته می‌شود. او مدل قانون‌گذاری قیاسی را توسعه نداد، بلکه بر روش‌های تجربی و بررسی اعتبار در تحقیقات اجتماعی تمرکز داشت.

چرا انتخاب نشد؟

- کمپل در حوزه‌هایی مانند روان‌شناسی اجتماعی و روش‌شناسی تجربی (مانند مدل‌های شبه‌تجربی) فعالیت داشت و هیچ اثر مستقیمی در تدوین مدل قانون‌گذاری قیاسی ندارد.
- در تاریخ اسلام، نظریه‌های کمپل ممکن است در تحلیل رفتارهای اجتماعی (مانند نقش گروه‌های قبیله‌ای در گسترش اسلام) کاربرد غیرمستقیم داشته باشند، اما ارتباطی با مدل همپل ندارند.
- **نقد:** نظریه‌های کمپل بیشتر به استقرا و آزمون فرضیه‌ها وابسته‌اند تا استنتاج منطقی از قوانین کلی، که با ماهیت مدل همپل ناسازگار است.

گزینه ۲) کارل پوپر

کارل ریموند پوپر (۱۹۰۲-۱۹۹۴)، فیلسوف اتریشی-بریتانیایی، به دلیل نظریه ابطال‌پذیری (Falsifiability) و نقد اثبات‌گرایی منطقی شناخته می‌شود. او معتقد بود که نظریه‌های علمی باید قابل ابطال باشند، نه اینکه صرفاً تأیید شوند.



• چرا انتخاب نشد؟

- پوپر مدل قانون‌گذاری قیاسی را رد می‌کرد، زیرا آن را بیش‌ازحد وابسته به تأیید قوانین کلی می‌دانست. او در کتاب «فقر تاریخ‌گرایی» (The Poverty of Historicism) استدلال کرد که قوانین کلی در تاریخ به دلیل پیچیدگی و خاص بودن وقایع، کاربرد محدودی دارند.
- در تاریخ اسلام، نظریه ابطال‌پذیری پوپر می‌تواند در نقد فرضیه‌های تاریخی (مانند نقش عوامل اقتصادی در سقوط امویان) استفاده شود، اما ارتباط مستقیمی با مدل همپل ندارد.

• **نقد:** پوپر بر روش آزمون و خطا تأکید داشت، درحالی‌که مدل همپل بر استنتاج منطقی از قوانین ثابت متمرکز است. این تفاوت بنیادی باعث می‌شود پوپر گزینه مناسبی نباشد.

گزینه ۳) رودولف کارناپ

رودولف کارناپ (۱۸۹۱-۱۹۷۰) (Rudolf Carnap)، فیلسوف آلمانی و از رهبران اثبات‌گرایی منطقی، بر منطق صوری و زبان علمی تمرکز داشت. او در توسعه نظریه تأیید (Confirmation Theory) نقش داشت و به تحلیل زبان علمی پرداخت.

• چرا انتخاب نشد؟

- کارناپ مدل قانون‌گذاری قیاسی را به‌صورت مستقیم تدوین نکرد. او بیشتر به ساختار منطقی نظریه‌های علمی و احتمال تأیید آن‌ها علاقه‌مند بود، نه تبیین علی پدیده‌ها از طریق قوانین کلی.
- در تاریخ اسلام، نظریه‌های کارناپ ممکن است در تحلیل منطقی متون (مانند بررسی ساختار روایات در کتب حدیث) کاربرد داشته باشند، اما ارتباط مستقیمی با مدل همپل ندارند.

• **نقد:** کارناپ بر احتمال و تأیید استقرایی تمرکز داشت، درحالی‌که مدل همپل بر استنتاج قیاسی تأکید می‌کند. این تفاوت در روش‌شناسی، کارناپ را از گزینه صحیح دور می‌کند.

اصطلاحات تخصصی

۱. **مدل قانون‌گذاری قیاسی (Deductive-Nomological Model):** چارچوبی برای توضیح علمی که پدیده‌ها را از طریق استنتاج منطقی از قوانین کلی و شرایط اولیه تبیین می‌کند.

۲. **اثبات‌گرایی منطقی (Logical Positivism):** مکتبی فلسفی که بر تحلیل منطقی و تجربی دانش تأکید دارد و همپل از نمایندگان برجسته آن بود.

۳. **استنتاج قیاسی (Deduction):** روشی منطقی که از مقدمات کلی به نتایج خاص می‌رسد، برخلاف استقرا که از مشاهدات خاص به قوانین کلی می‌رسد.

۴. **قوانین کلی (General Laws):** قواعدی جهان‌شمول که روابط ثابت بین پدیده‌ها را بیان می‌کنند.

۵. **شرایط اولیه (Initial Conditions):** داده‌های خاص یک موقعیت که در کنار قوانین کلی برای توضیح پدیده‌ها استفاده می‌شوند.

منابع و آثار مرتبط

- **تاریخ الطبری (الطبری):** منبعی کلیدی در تاریخ اسلام که می‌توان با مدل همپل برای تحلیل وقایع (مانند فتح مکه) استفاده کرد.
- **الکامل فی التاریخ (ابن اثیر):** متنی تاریخی که روابط علی بین وقایع را می‌توان با این مدل بررسی کرد.
- **سیره ابن هشام:** منبع اولیه برای بررسی زندگی پیامبر اسلام که با مدل همپل می‌توان الگوهای رفتاری را تحلیل کرد.
- **مطالب تکمیلی**
- **کاربرد مدل همپل در تاریخ اسلام:** این مدل در منبع‌شناسی تاریخ اسلام به تحلیل انتقادی متون کمک می‌کند. برای مثال، در بررسی روایات متعارض درباره واقعه کربلا، می‌توان از قوانین کلی (مانند تأثیر اختلافات سیاسی بر رفتار اجتماعی) و شرایط اولیه (مانند رقابت بین امویان و علویان) برای تبیین علل واقعه استفاده کرد.
- **چالش‌های مدل همپل در تاریخ‌نگاری:** تاریخ‌نگاران معاصر، مانند آرنولد توینبی، معتقدند که تاریخ بیشتر به الگوهای تکرارشونده (Patterns) وابسته است تا قوانین کلی. این نقد در تاریخ اسلام نیز مطرح است، زیرا بسیاری از وقایع (مانند قیام مختار) به عوامل فرهنگی و مذهبی خاص وابسته‌اند.
- **اهمیت روش‌شناسی در تاریخ اسلام:** روش‌های علمی مانند مدل همپل به مورخان کمک می‌کنند تا از روایت‌گری صرف به تحلیل علمی گذر کنند، که در بررسی منابع پیچیده مانند متون حدیثی یا تاریخی ضروری است.

منابع طراحی سؤال

۱. کتاب «فلسفه علم» (ترجمه احمد آرام)

- **فصول مرتبط:** فصل‌های مربوط به فلسفه علم و اثبات‌گرایی منطقی، به‌ویژه بخش‌های مرتبط با مدل قانون‌گذاری قیاسی و کارل گوستاو همپل. این کتاب چارچوب نظری مدل همپل را به‌خوبی توضیح می‌دهد و برای آزمون دکتری تاریخ مناسب است.
- **توضیح:** این منبع به تحلیل مدل‌های علمی در فلسفه علم می‌پردازد و به‌طور خاص به نقش همپل در تدوین مدل قانون‌گذاری قیاسی اشاره دارد.